

# Lesson One:

## “Sense of Appreciation”

### “حسن قدر شناسی”

۶	واژگان کلیدی و تکمیلی
۱۰	ترجمه مکالمه
۱۱	ترجمه ری‌دینگ کتاب درسی
۱۲	ترجمه ری‌دینگ کتاب کار
۱۳	کلمات هم‌نشین (Collocations)
۱۷	آزمون تشریحی واژگان
۲۰	۱۰۰ تست واژه
۲۶	گرامر (جملات معلوم و مجهول)
۳۶	تست گرامر
۴۱	گرامر (جملات سوالی تأکیدی یا عبارات الحاقی)
۴۶	تمرین دستگرمی عبارات الحاقی
۴۷	تست عبارات الحاقی
۵۱	نگارش (جملات مرکب)
۵۴	تمرین دستگرمی کلمات ربط
۵۵	۳۹ تست دستگرمی کلمات ربط
۵۷	آزمون تشریحی گرامر
۶۲	آزمون جامع تشریحی

www.my-dars.ir

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
accidental	تصادفی	at all	اصلاً، ابدأ، به هیچ وجه
accidentally	تصادفاً، اتفاقی	at last	سرانجام، در نهایت
A.D.	بعد از میلاد مسیح، میلادی	at least	حداقل
a set of	مجموعه ای از	attempt	تلاش، کوشش
abroad	خارج از کشور	author	نویسنده، مؤلف
active	فعال، فعالانه	authorized	مجاز - مختار
active voice	جمله معلوم (دستور زبان)	authority	صلاحیت، اختیار - معتبر
addition	جمع، اضافه	babysit	از بچه پرستاری کردن
advice	نصیحت، توصیه	babysitter	پرستار بچه
advise	نصیحت کردن، توصیه کردن	bear	خرس - به دنیا آوردن - تحمل کردن
advisement	مشورت، تأمل	be born	متولد شدن، به دنیا آمدن
advisor	مشاور، رهنما - معاون	because of	به خاطر
again and again	بارها، دوباره و دوباره	belonging	تعلق، وابستگی
agreement	توافق، موافقت، قرارداد	bless	دعا کردن، مبارک خواندن
after a while	بعد از مدتی	blessed	مبارک، سعید، خوشبخت
airbag	کیسه هوا	blessedness	سعادت، برکت، خوشبختی
airplane	هواپیما	blessing	رحمت، برکت، دعای خیر، نعمت
along with	به علاوه، افزون بر، همراه با	boost	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن
aloud	بلند، با صدای بلند	booster	تقویت کننده، حامی
although	اگرچه، گرچه، با اینکه	bother	آزار، اذیت، دردسر
analyze	بررسی کردن، آنالیز کردن	bring up	تربیت کردن، مطرح کردن
analyzer	تحلیل کننده، تحلیل گر	broken-heart	دلشکسته، نا امید
anniversary	سالگرد	burst	ترکیدن، منفجر شدن
antonym	متضاد، ضد	businessman	تاجر، بازرگان
appropriate	مناسب، شایسته	by heart	از حفظ، از بر
appreciation	قدردانی، درک، فهم	by the way .ir	راستی، بگذریم، به هر حال
appreciative	قدردان، قدرشناس	cage	قفس، قفسه، محفظه
appreciate	قدردانی کردن، درک کردن، فهمیدن	calmly	آرام، راحت، به آرامی، آهسته
article	مقاله - ماده قانون - شیئی	cancer	سرطان، مصیبت
as	از آنجائیکه - وقتی که - به عنوان	capable of	قادر بودن به
as follows	به شرح زیر	care for	مراقبت کردن از، پرستاری کردن از
a sign of	یک نشانه از	carry	حمل کردن، با خود بردن، منتقل کردن
as well	همچنین (در انتهای جمله میآید)	carry no risk	خطر نکردن، ریسک نکردن
as well as	همچنین	Caspian Sea	دریای خزر

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
catch	گرفتن، فاپیدن - فهمیدن	definition	تعریف، معنی
center	مرکز، وسط، کانون	description	توصیف، تشریح
chapter	فصل (کتاب)، شعبه	descriptive	توصیفی، تشریحی، وصفی
chess	شطرنج	detective	کاراگاه (پلیس)، بازرس
childhood	بچگی، کودکی، دوران بچگی	diary	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت
choose	انتخاب کردن، تصمیم گرفتن	diploma	مدرک تحصیلی، دیپلم
close friend	دوست صمیمی، دوست نزدیک	discover	کشف کردن، پی بردن، پیدا کردن
college	دانشکده، کالج	discovery	کشف، اکتشاف
collocation	هم نشینی، ترکیب، همآیند	distinguish	تشخیص دادن، متمایز کردن
combine	ترکیب کردن، ترکیب شدن	distinguished	برجسته، ممتاز، سرشناس
combination	ترکیب	dish	غذا، ظرف غذا - بشقاب
come back	برگشتن	doer	انجام دهنده، اهل عمل
complain	شکایت کردن، گلایه کردن	deserve	استحقاق داشتن، سزاوار بودن
compound	مرکب، ترکیبی، مخلوط، ترکیب	divorce	طلاق، جدایی
comprehension	درک مطلب، فهم	documentary	مستند، سند دار
concern	دغدغه، نگرانی، تشویش	duty	وظیفه، کار، خدمت، تکلیف
conference	کنفرانس، جلسه	economically	از نظر اقتصادی
confirm	تائید کردن، ثابت کردن	effortless	بدون تلاش، آسان، ساده
confirmation	تصدیق، تائید - تثبیت	either ... or	یا ... یا - هر یک (از دو)
connecting	رابط، ربط دهنده	elder	بزرگ تر، بزرگ
countless	بی شمار، بی اندازه، بسیار زیاد	elderly	سالخورده، پیر، قدیمی، کهنه
cousin	خاله یا عمه زاده - عمو یا دایی زاده	elicit	بیرون کشیدن، به دست آوردن
critic	منتقد، انتقاد کننده	emotion	احساس
criticize	نقد کردن	end in	ختم شدن به، پایان یافتن با
cry	گریه کردن، فریاد کشیدن	enjoyable	لذت بخش، مطبوع، خوشایند
culture	فرهنگ	ethic	اخلاق، اخلاقیات، اصول اخلاقی
cultural	فرهنگی	evidence	مدرک، گواهی، دلیل - شاهد
cure	درمان، چاره، درمان کردن	expert	متخصص، کارشناس
custom	رسم، سنت - گمرک	feed	غذا دادن به، تغذیه کردن
customer	مشتری، خریدار	feedback	بازخورد، بازده، فیدبک
dear	عزیز، گرانبمایه	feeding	تغذیه، خوراک
dedicate	وقف کردن، اختصاص دادن	fingerprint	اثر انگشت
dedicated	متعهد - وقف شده - ایثارگر	fix	تعمیر کردن، محکم کردن
dedication	اهداء، وقف، تخصیص - فداکاری	forgive	بخشیدن، عفو کردن

# لغات کلیدی و مهم "درس یک" پایه دوازدهم "صفحه سوم"

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
forgiveness	بخشش، عفو، گذشت	(sit on) lap	روی (ران) پا نشستن
forgiver	بخشنده، عفو کننده	lawyer	وکیل
found	تأسیس کردن، ایجاد کردن	lie	دروغ، دروغ گفتن - دراز کشیدن
founder	تأسیس کننده، مؤسس، بنیان گذار	location	محل، جا، موقعیت
failure	شکست، سقوط	loving	مهربان، بامحبت، محبت آمیز
fridge	یخچال	lower	پایین آوردن، کم کردن، پایین آمدن
generate	تولید کردن، به وجود آوردن	lack	فقدان، نبود، کمبود، نداشتن
generation	تولید، نسل	major	اصلی، عمده - سرگرد
go together	با هم همراه بودن، با هم جور بودن	marketing	بازاریابی
grandchild	نوه	meaningful	با معنی، معنی دار
guideline	رهنمود، توصیه، دستور العمل	moral	درس اخلاقی، نتیجه ی اخلاقی
grateful	سپاسگزار، متشکر، خوشحال	most importantly	مهم تر این که، از همه مهمتر این که
gulf	خلیج	mother-in-law	مادر شوهر - مادر زن
handle	کنترل کردن، از عهده برآمدن	muscle	ماهیچه
hard of hearing	گوش (کسی) سنگین بودن	North Pole	قطب شمال
hate	نفرت داشتن از، نفرت	Not surprisingly	تعجبی ندارد که، معلوم است که ...
hear of	با خبر بودن از، خبری داشتن	note	توجه کردن به، دقت کردن، ملاحظه
hence	بنابراین - از حالا به بعد، دیگر	object	شیء- (دستور زبان) مفعول
heritage	میراث، هرثیه	once	یک بار روزی، روزگاری، به زمانی
hometown	وطن، میهن	on the other	از طرف دیگر
honor	گرامی داشتن - افتخار، احترام	ordinary	معمولی، عادی
honorable	محترم، پسندیده، بزرگوار	parrot	طوطی
hug	در آغوش گرفتن	passive	(دستور زبان) مجهول، صیغه مجهول
icy	یخی، سرد	pause	مکث کردن، مکث
identity	هویت	pay raise	افزایش حقوق
immigration	مهاجرت	peaceful	آرام، صلح طلب، صلح آمیز
immoral	غیر اخلاقی، بد اخلاق	penalty	جریمه، مجازات، تاوان
inappropriate	ناقص، ناتمام	physician	پزشک، طبیب
inspiration	الهام، منبع الهام	pigeon	کبوتر
inspirator	الهام دهنده، تزریق کننده	pity	ترحم، دلسوزی، جای تأسف
interestingly	جالب است که ...، شگفت است	poetry	شعر، شاعری، اشعار
inform	مطلع کردن، با خبر کردن	present	حاضر - حال، فعلی، کنونی - کادو
informant	خبر چین، جاسوس، اطلاع دهنده	presentability	قابلیت ارائه
judge	قضاوت کردن - قاضی	principle	اصل، قاعده، اصل اخلاقی
kindly	با مهربانی، با ملایمت	process	فرآیند، جریان، روند، روش
kindness	مهربانی، لطف، محبت	profit	سود، فایده، فایده داشتن
kiss	بوسه، بوسیدن	profitable	سود آور، مفید، سودمند

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
provide	تامین کردن، تهیه کردن	sometime	زمانی، روزی، یک روزی
psychologist	روانشناس	sound	به نظر رسیدن - صدا دادن - صدا
punish	تنبیه کردن، مجازات کردن	spare	دریغ کردن، چشم پوشی کردن
punisher	تنبیه کننده، مجازات گر	steal	دزدیدن، دزدی کردن
punishment	تنبیه، مجازات	strength	قدرت، نیرو، توان، استحکام، شدت
qualitative	کیفی، از نظر کیفیت	strict	سخت گیر
quantity	کمیت، مقدار، تعداد	substance	ماده اصلی، جنس، جسم، شیء
quantitative	از نظر کمیت، کمی، مقداری	such	چنین، اینطور، چنان، آنقدر
rather than	به جای، به جای اینکه	suddenly	ناگهان، یک دفعه، یکهو
receive	دریافت کردن، بدست آوردن	tag question	عبارت الحاقی - پرسش تاکیدی
record	ثبت کردن، یادداشت کردن	take a rest	استراحت کردن
refuse	امتناع، رد کردن، نپذیرفتن	tear	اشک
regard	در نظر گرفتن، ملاحظه کردن	teenager	نوجوان
regarding	در ارتباط با، با توجه به	temperature	درجه حرارت، دما، حرارت بدن، تب
release	رها کردن، آزاد کردن	terrible	وحشتناک، خیلی بد، افتضاح
religion	مذهب	textbook	کتاب درسی
religious	مذهبی، مؤمن	thus	بدین ترتیب، بنابراین، این طور
repeatedly	بارها، بارها و بارها، به کرات	tool	ابزار، وسیله، لوازم
replace	جایگزین کردن، قرار دادن	truth	حقیقت، راستی
reply	جواب دادن، جواب	trustworthy	قابل اعتماد، درستکار
responsibility	مسئولیت، وظیفه	uncertainty	عدم قطعیت، شک، تردید، بی ثباتی
rub	سائیدن، مالیدن	unnatural	غیر طبیعی، غیر عادی، ساختگی
robber	سارق، دزد	umbrella	چتر، حافظ، پوشش
rubbish	آشغال، زباله	unconditionally	بدون قید و شرط
salary	حقوق، دستمزد	unreal	غیر واقعی، باور نکردنی
score	نمره، امتیاز، نتیجه	vase	گلدان
scoreboard	تابلو امتیاز	voluntarily	به طور داوطلبانه
sensation	احساس، حس، شور	warn	هشدار دادن، اخطار دادن
sense	حس، احساس، عقل، فهم، شعور	wealthy	ثروتمند
series	رشته، سلسله، سری، مجموعه	what's wrong?	مشکل چیه؟
shameful	شرم آور، ننگین	whereby	که با آن، که از طریق آن
shout	فریاد کشیدن، فریاد	while	در حالی که
signal	علامت، علامت دادن، خبر دادن	willing	مایل، مشتاق، موافق
sofa	مبل، کاناپه	wisdom	حکمت، دانایی، عقل، معرفت
solution	راه حل - محلول	within	در، در محدوده ی، در داخل

## Conversation (Student Book: Pages 19 - 20)

Sara has been in the Children's Medical Center for a week. She has caught a terrible flu. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. While the nurse is taking her temperature, they start talking.

سارا به مدت یک هفته در مرکز درمانی کودکان بوده است. او یک آنفولانزای وحشتناک گرفته است. دکتر به او گفته است که برای بهتر شدن باید در بیمارستان بماند. بر روی دیوار عکسی از یک مرد مسن وجود دارد. در حالی که پرستار درجه تب او را میگیرد، آنها شروع به صحبت کردن می کنند.

**Sara:** Excuse me, who is that man in the picture?

**سارا:** ببخشید آن مرد داخل عکس چه کسی است؟

**Nurse:** Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

**پرستار:** او را نمیشناسی؟ آیا هیچوقت در مورد دکتر محمد قریب چیزی شنیده ای؟

**Sara:** I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

**سارا:** حدس میزنم که فقط اسم او را در کتاب زبان انگلیسی ام دیده ام، اما در موردش مطمئن نیستم.

**Nurse:** Dr. Gharib was a famous physician.

**پرستار:** دکتر قریب یک پزشک معروف بود.

**Sara:** Oh,... can you tell me a little about his life?

**سارا:** میتونید کمی در مورد زندگی ایشان به من بگویید.

**Nurse:** Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.

**پرستار:** دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد. او پس از دریافت مدرک دیپلم، به خارج از کشور رفت که پزشکی بخواند. در سال ۱۳۱۶ ایشان پزشک شد (مدرک پزشکی را دریافت کرد) و به زادگاهش باز گشت. در سال ۱۳۴۷ دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش این مرکز را تاسیس کردند.

**Sara:** Really? I didn't know that.

**سارا:** واقعا؟ من این را نمیدانستم.

**Nurse:** Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

**پرستار:** همچنین دکتر قریب مرد سخاوتمندی بود. او از هیچ فرصتی برای درمان کودکان بیمار دریغ نمیکرد. او نسبت به خانواده های فقیر بسیار صمیمی و یاری رسان بود. دور از انتظار هم نیست که به عنوان دکتری ایثارگر در نظر گرفته شود.

**Sara:** It's a pity! I didn't know such a great man.

**سارا:** جای افسوس داره. من چنین مرد بزرگی را نمیشناختم.

**Nurse:** He was known as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on children's diseases was written by him. He taught medicine to thousands of students.

**پرستار:** او همچنین به عنوان یک پروفیسور برجسته دانشگاه شناخته شده بود. اولین کتاب درباره ی بیماریهای کودکان به زبان فارسی توسط ایشان نوشته شد. او علم پزشکی را به هزاران دانشجو تدریس کرد.

**Sara:** Oh, what a great man he was!

**سارا:** چه مرد بزرگی بوده است!

**Nurse:** By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

**پرستار:** راستی، همچنین ممکنه جالب باشد که بدانی، دکتر شما یکی از دانشجویهای دکتر قریب بوده است.

**Sara:** Really?! That's interesting!

**سارا:** واقعا؟ جالبه!

**به پدر و مادر خود احترام بگذارید. "Respect your Parents."**

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

در یک صبح بهاری یک زن پیر در خانه اش بر روی کاناپه نشسته بود. پسر جوانش در حال روزنامه خواندن بود. ناگهان یک کبوتر بر روی پنجره نشست.

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, "It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

مادر به آرامی از پسرش پرسید "این چیه؟" پسر جواب داد: "این یک کبوتر است." بعد از چند دقیقه برای دومین بار از پسرش پرسید "این چیه؟" پسر گفت: "تازه من به تو گفتم این یک کبوتر است کبوتر." بعد از مدت کمی، مادر پیر برای سومین بار از پسرش پرسید "این چیه؟" این بار پسر بر سر مادرش فریاد کشید: "چرا همش داری سؤال های تکراری میپرسی؟ مگه مشکل شنوایی داری؟"

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات برگشت. او گفت "پسر عزیزم من این دفتر خاطرات را وقتی که تو متولد شدی، خریدم." سپس او صفحه ای را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن را بخواند. پسر به صفحه نگاهی انداخت و مکثی کرد و شروع به خواندن نمود:

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

امروز پسر کوچکم بر روی پایم نشسته بود، زمانیکه که یک کبوتر بر روی پنجره نشست. پسر ۱۵ بار از من پرسید که این چی بود و من هر ۱۵ بار برای او تکرار کردم که این یک کبوتر است. هر بار که او همان سؤال تکراری را از من میپرسید من او را با مهربانی در آغوش میگرفتم. من اصلاً احساس عصبانیت نکردم. در واقع من به خاطر فرزند دوست داشتنی ام، احساس خوشحالی می کردم.

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

ناگهان پسر شروع به گریه کردن کرد و مادر پیرش را در آغوش گرفت و مکرراً تکرار میکرد که "مادر، مادر، من را ببخش لطفاً من را ببخشید". زن پیر پسرش را در آغوش گرفت و او را بوسید و با خونسردی گفت: "ما باید از کسانی که یک زمانی از ما مراقبت کرده اند، مراقبت کنیم. ما همه میدانیم که پدر و مادر برای هر مسئله ی کوچکی چگونه به فرزندانشان اهمیت میدهند. بچه ها باید آنها را دوست داشته باشند و به آنها احترام بگذارند و از آنها مراقبت کنند."

## Reading (Workbook: Page 10)

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

برای ما بسیار مهم است که به بزرگترهایمان احترام بگذاریم. همچنین مهم است که بدانیم بزرگترها، بزرگ به دنیا نیامده اند. آنها همانند ما کودک بوده اند و اکنون بزرگ شده اند. چند سال بعد ما نیز مسن تر خواهیم شد. اگر امروز ما به آن ها احترام بگذاریم نسل امروز و آینده ما نیز آن ارزش ها را حفظ خواهند کرد و یاد می گیرند که هنگامی که ما هم پیر شدیم به ما احترام بگذارند.

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus, we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

بزرگترها چیزهای زیادی برای تقسیم کردن با ما دارند: تجربه های زندگیشان، شکست هایشان، موفقیت هایشان، و خیلی چیزهای دیگر. بنابراین ما باید که به آنها اهمیت بدهیم چونکه سزاوار مراقبت کردن هستند. احترام و مراقبت کردن از بزرگترها، با پدر و مادرمان شروع میشود زیرا آنها اولین معلم های ما در زندگی هستند.

No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them as they love us unconditionally. They feel honored when we appreciate their love and respect them. So, it is our duty to help them when they need us because they are not young enough to handle things on their own like before.

مهم نیست چه کاری را در زندگیمان انجام میدهیم، چه کسی هستیم، کجا زندگی میکنیم، ما باید آنها را همانگونه که آنها ما را بی قید و شرط دوست دارند، دوست داشته باشیم. آنها احساس افتخار میکنند هنگامی که ما قدردان عشق آنها هستیم و به آنها احترام میگذاریم. پس این وظیفه ما است که هنگامی که به ما نیاز دارند به آنها کمک کنیم زیرا آنها به اندازه کافی جوان نیستند که مانند قبل بتوانند به تنهایی از عهده کارها برآیند.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

### Note:

---

---

---

---

---

---

---

---



## کلمات هم نشین (هم آبی) "Collocations"

هم آبی به گروهی از کلمات گفته میشود که اغلب همراه هم می آیند. مهمترین هم آوایی های کتب درسی عبارتند از:

Collocations	Persian Meanings
after a (little) while	پس از مدتی (کوتاه)
make a mistake	اشتباه کردن، مرتکب اشتباه شدن
not surprisingly	جای تعجب نیست
fast food	غذای سریع، غذای آماده
put in order	مرتب کردن - به ترتیب
fire station	ایستگاه آتشنشانی
study lesson	مطالعه درس
at the end	در پایان، در انتها
bake a cake	پختن کیک
health condition	وضعیت سلامتی
be regarded as	به عنوان ... در نظر گرفتن
police station	ایستگاه پلیس
be rich in sth	غنی بودن از ... - سرشار بودن از ...
board the plane	سوار هواپیما شدن
geographical position	حالت یا شرایط جغرافیایی
geographical location	موقعیت جغرافیایی
between sth and sth else	بین یک چیز و چیز دیگر
do experiment	آزمایش انجام دادن
blood pressure	فشار خون
tell a story	داستان گفتن
brain function	عملکرد مغز
burst into tears	به گریه افتادن
by accident	به طور تصادفی
by heart	از حفظ، از بر
text a message	پیام فرستادن
by the way	بگذریم، به هر حال، راستی
heart attack	حمله قلبی
catch a flu	آنفلوانزا گرفتن
grow old	بزرگ شدن
comfortable shoe	کفش راحتی
get ready	آماده شدن
compound sentence	جمله ی مرکب

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
experiment on	آزمایش انجام دادن بر روی
family members	اعضای خانواده
get depressed	افسرده شدن
smart phone	تلفن هوشمند
solution to	راه حل برای
strong wind	باد شدید
regard to	در رابطه با
ask kindly	با خوش رویی پرسیدن
be angry with	عصبانی بودن از
registration form	فرم ثبت نام
make a noise	سر و صدا کردن
recreational activities	فعالیت های تفریحی
break the window	پنجره را شکستن
pay attention to	توجه کردن به ...
hold a game	برگزار کردن بازی
the key to success	کلید موفقیت
pack for a trip	جمع کردن وسایل برای سفر
take temperature	درجه حرارت (تب) را گرفتن
develop a product	توسعه دادن یک محصول
sore throat	گلو درد
take photos	عکس گرفتن
narrate a story	داستان روایت کردن
mother tongue	زبان مادری
heavy rain	شدید
heavy snow	برف سنگین
public transportation	وسایل حمل و نقل عمومی
do homework	تکلیف انجام دادن
spare no pain	مضایقه نکردن، دریغ نکردن
balanced diet	رژیم متعادل
do exercise (not to make exercise)	ورزش کردن
exchange money	تبدیل پول
feel angry	احساس عصبانیت کردن، عصبانی شدن
national anthem	سرود ملی
take turn	به نوبت
gift shop	مغازه کادو فروشی

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
desert touring	تور صحرائی
hard of hearing	مشکل شنوایی داشتن، گوش کسی سنگین بودن
read a newspaper	روزنامه خواندن
light a lamp	لامپ روشن کردن
make a dialogue	گفتگو کردن
sit on the sofa	روی مبل نشستن
feel well	احساس سلامتی کردن
pay toll	پرداخت عوارض
living languages	زبان های زنده
make a voyage	به سفر طولانی رفتن
travel around the world	دور دنیا سفر کردن
lose weight	کاهش وزن
gain weight	افزایش وزن
have access to	دست یافتن به ...
fix the car	ماشین را تعمیر کردن
sore eyes	چشم درد
follow a rule	قانونی را دنبال کردن، از قواعد پیروی کردن
by means of	با استفاده از، به وسیله
produce a movie	تولید فیلم
nervous system	سیستم عصبی
find a solution	راه حل یافتن
attend a program	در برنامه شرکت کردن
sign language	زبان اشاره
foreign language	زبان خارجی
technology addict	معتاد فن آوری
running nose	آبریزش بینی
pump blood	پمپاژ خون
meet the needs	نیازها را بر آورده کردن
express train	قطار سریع السیر
put emphasis on sth	تأکید کردن بر روی چیزی
flat tire	لاستیک پنچر
have lunch/ dinner / breakfast	نهار/ شام/ صبحانه خوردن
make a suggestion	پیشنهاد دادن
military parade	رژه نظامی
go abroad	به خارج از کشور رفتن

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
follow the steps	مراحل را طی کردن, گام ها را دنبال کردن
body organ	اندام بدن
native language	زبان مادری / محلی
contrastive stress	استرس مقایسه ای
forgive sb for sth	کسی را بابت چیزی بخشیدن
distinguished professor	پروفسور برجسته
during the experiment	در طی آزمایش
after a (little) while	پس از مدتی (کوتاه)
make a mistake	اشتباه کردن، مرتکب اشتباه شدن
feel happy	احساس شادی کردن
at the turn of the year	هنگام تحویل سال
baggage reclaim	ترخیص چمدان
health advise	مشاوره سلامتی
travel agency	آژانس مسافرتی
make movies	ساختن فیلم
in a hurry	در عجله بودن
at the same time	به طور همزمان
in the middle of	در وسطه، در میانه ی
the opposite of	متضاد
on the way (home, school, ...)	در مسیر(خانه، مدرسه، ...)
in a line	در صف
at once	فوراً، بلافاصله
at least	حداقل
at first	در ابتدا
at last	سرانجام
in prison	در زندان

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**Note:**

-----

-----

-----

-----

-----

-----

۱. با استفاده از کلمات داده شده، جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی می باشد)

combination / forgive / dedicated / calmly / hard / pigeon / diary / born / hug

1. Our geometry teacher always speaks slowly and -----.
2. Albert Einstein was ----- in Germany on 14 March 1879.
3. As a great artist, he has used a ----- of paints in his works.
4. She agreed some parts of her personal ----- to be published.
5. In Germany people usually ----- each other when they meet.
6. We have to speak louder, because my grandfather is ----- of hearing.
7. I know what he did was wrong but don't you think it's time to ----- and forget.
8. Dr. Gharib was regarded as a ----- physician and he spared no pains to help sick people.

founded / appreciation / discover / strength / distinguished / regarded / function / shouting / choices

9. Scientists around the world are working to ----- a cure for a new disease.
10. We aim to help students make more informed career -----.
11. Please accept this gift in ----- of all you have done for us.
12. The ----- of the heart is to pump blood through the body.
13. They ----- people outside their own town with suspicion.
14. There are few things that get me ----- at the television.
15. My uncle has had a long and ----- career in medicine.
16. Their marriage was ----- on love and mutual respect.

۲. جملات زیر را با نوشتن یک کلمه مناسب کامل کنید.

1. My son can recite the holy Quran from (m \_ \_ \_ \_).
2. Dr. Gharib (s \_ \_ \_ \_) no pains to cure sick children.
3. My little sister (b \_ \_ \_) into tears when she saw her score.
4. Kindness (b \_ \_ \_ \_) energy and strength in elderly people.
5. Students show their (r \_ \_ \_ \_ \_) for the teacher by not talking.
6. Listening to the (a \_ \_ \_ \_) of older people improves our lives.
7. A (c \_ \_ \_ \_ \_ \_) is two or more words that often go together.
8. Rich people can help poor people by (d \_ \_ \_ \_ \_) what they need.

distinguished / generation / compound / elderly / boost / homeland / forgive / strength / sofa

1. A long comfortable seat with a back and arms, for two or more people to sit on: (-----)
2. A thing consisting of two or more separate things combined together: (-----)
3. To make something increase, or become better or more successful: (-----)
4. The production of something, especially electricity, heat, etc.: (-----)
5. Very successful and admired by other people: (-----)
6. The quality of being physically strong: (-----)
7. The country where a person was born: (-----)
8. To stop being angry with someone: (-----)

۴. بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. Most people in the country have a strong ----- of national identity.  

<i>a. point</i>	<i>b. vase</i>	<i>c. sense</i>	<i>d. member</i>
-----------------	----------------	-----------------	------------------
2. The sound quality was poor so we couldn't fully ----- the music.  

<i>a. appreciate</i>	<i>b. decrease</i>	<i>c. donate</i>	<i>d. shout</i>
----------------------	--------------------	------------------	-----------------
3. A high protein diet ----- your body's supplies of an amino acid called taurine.  

<i>a. lowers</i>	<i>b. reduces</i>	<i>c. drops</i>	<i>d. boosts</i>
------------------	-------------------	-----------------	------------------
4. Most ----- nouns form their plurals in the usual way.  

<i>a. dedicated</i>	<i>b. distinguished</i>	<i>c. compound</i>	<i>d. quantity</i>
---------------------	-------------------------	--------------------	--------------------
5. The company may be forced to ----- prices in order to stay competitive.  

<i>a. boost</i>	<i>b. increase</i>	<i>c. lower</i>	<i>d. raise</i>
-----------------	--------------------	-----------------	-----------------
6. The children in our family are always ----- to their elders.  

<i>a. appropriate</i>	<i>b. respectful</i>	<i>c. interested</i>	<i>d. aloud</i>
-----------------------	----------------------	----------------------	-----------------
7. The lowest ----- are experienced in January, the average being as low as 20° to 5° Fahr.  

<i>a. temperatures</i>	<i>b. descriptions</i>	<i>c. opinions</i>	<i>d. collocations</i>
------------------------	------------------------	--------------------	------------------------
8. His ----- records showed that he was unfit for work.  

<i>a. natural</i>	<i>b. development</i>	<i>c. generation</i>	<i>d. medical</i>
-------------------	-----------------------	----------------------	-------------------
9. ----- are common in cities and also live in woods and fields where people shoot them for sport or food.  

<i>a. Diaries</i>	<i>b. Pigeons</i>	<i>c. Tears</i>	<i>d. Diseases</i>
-------------------	-------------------	-----------------	--------------------
10. My grandmother is hard of ----- and her eyesight is starting to fail.  

<i>a. pressure</i>	<i>b. energy</i>	<i>c. appreciation</i>	<i>d. hearing</i>
--------------------	------------------	------------------------	-------------------

11. The new principal is completely ----- to his work.  

<i>a. surprised</i>	<i>b. dedicated</i>	<i>c. regarded</i>	<i>d. generous</i>
---------------------	---------------------	--------------------	--------------------
12. Please give up your seat to a/an ----- or disabled person if they require it.  

<i>a. elderly</i>	<i>b. capable</i>	<i>c. young</i>	<i>d. powerful</i>
-------------------	-------------------	-----------------	--------------------
13. She thanked the nurses who had ----- her children.  

<i>a. boosted</i>	<i>b. received</i>	<i>c. cared for</i>	<i>d. shouted</i>
-------------------	--------------------	---------------------	-------------------
14. When she welcomed them with a -----, she burst into tears.  

<i>a. lap</i>	<i>b. hug</i>	<i>c. score</i>	<i>d. function</i>
---------------	---------------	-----------------	--------------------
15. Many teenagers are ----- ignorant about current politics.  

<i>a. cruelly</i>	<i>b. respectively</i>	<i>c. appropriate</i>	<i>d. surprisingly</i>
-------------------	------------------------	-----------------------	------------------------
16. He developed nervous problems after people began ----- correcting him.  

<i>a. calmly</i>	<i>b. repeatedly</i>	<i>c. generally</i>	<i>d. ordinarily</i>
------------------	----------------------	---------------------	----------------------
17. She replied to their angry question by ----- walking out of the room.  

<i>a. mainly</i>	<i>b. possibly</i>	<i>c. calmly</i>	<i>d. essentially</i>
------------------	--------------------	------------------	-----------------------
18. The brochure tries to give a fair and correct ----- of each hotel.  

<i>a. description</i>	<i>b. process</i>	<i>c. reception</i>	<i>d. occasion</i>
-----------------------	-------------------	---------------------	--------------------
19. The bus company ----- extra buses because there were so many people.  

<i>a. destroyed</i>	<i>b. describe</i>	<i>c. provided</i>	<i>d. qualify</i>
---------------------	--------------------	--------------------	-------------------
20. Faulkner has been known as the greatest American novelist of his -----.  

<i>a. generation</i>	<i>b. temperature</i>	<i>c. neighborhood</i>	<i>d. local</i>
----------------------	-----------------------	------------------------	-----------------
21. My mother's eyes filled with tears as she looked ----- at me.  

<i>a. awfully</i>	<i>b. horribly</i>	<i>c. terribly</i>	<i>d. lovingly</i>
-------------------	--------------------	--------------------	--------------------
22. Exercise will not only ----- blood pressure but possibly protect against heart attacks.  

<i>a. increase</i>	<i>b. lower</i>	<i>c. boost</i>	<i>d. donate</i>
--------------------	-----------------	-----------------	------------------
23. The school was ----- with the express purpose of teaching deaf children to speak.  

<i>a. destroyed</i>	<i>b. founded</i>	<i>c. paused</i>	<i>d. cared</i>
---------------------	-------------------	------------------	-----------------
24. Increasingly, smoking is ----- as an anti-social habit.  

<i>a. regarded</i>	<i>b. asked</i>	<i>c. decreased</i>	<i>d. hugged</i>
--------------------	-----------------	---------------------	------------------
25. The two universities are to cooperate in the development of a new industrial -----.  

<i>a. setback</i>	<i>b. admiration</i>	<i>c. estimation</i>	<i>d. process</i>
-------------------	----------------------	----------------------	-------------------

## سطح تستها "متوسط" و "کنکوری"

1. Their first ----- to climb Everest ended in failure.

a. test	b. attempt	c. temperature	d. exercise
---------	------------	----------------	-------------

2. As parents, it's our moral duty to teach our children to ----- other people's opinions.

a. produce	b. honor	c. power	d. burst
------------	----------	----------	----------

3. It is surely the ----- of the wealthy members of the society to help those who are economically weak.

a. duty	b. matter	c. point	d. case
---------	-----------	----------	---------

4. It was a great job to do and you helped me a lot. I really don't know how to ----- you.

a. hate	b. describe	c. appreciate	d. burst
---------	-------------	---------------	----------

5. Maryam seems to be ----- the job of running the company very well, but it's really too soon to judge.

a. promoting	b. protecting	c. handling	d. boosting
--------------	---------------	-------------	-------------

6. He had been caught while trying to steal the bike, but the police had to release him because of ----- evidence.

a. strategy	b. lack	c. while	d. availability
-------------	---------	----------	-----------------

7. After they had taken my brother to hospital, I tried to say how ----- we all were for his great help.

a. shameful	b. cruel	c. peaceful	d. grateful
-------------	----------	-------------	-------------

8. Those people who donate their blood voluntarily to help sick people are ----- of our respect.

a. lovely	b. worthy	c. main	d. ancient
-----------	-----------	---------	------------

9. Icy road conditions in Tehran ----- in two roads being closed as well as major road accidents.

a. replied	b. ended	c. checked	d. matched
------------	----------	------------	------------

10. I go to English class four ----- a week. Sometimes I find it really boring.

a. times	b. periods	c. rings	d. sizes
----------	------------	----------	----------

11. After that terrible earthquake in Kermanshah, many people were ready to ----- blood to the patients.

a. prepare	b. donate	c. produce	d. save
------------	-----------	------------	---------

12. After our teacher gave a lecture, he expected us to ask him ----- questions about his speech.

a. unnatural	b. confused	c. confident	d. meaningful
--------------	-------------	--------------	---------------

13. One of our relatives started his own business in Isfahan industrial city and ----- over 1500 jobs.

a. generated	b. built	c. reflected	d. weaved
--------------	----------	--------------	-----------

14. We have planned to go out for dinner ----- between this week and the following.

a. often	b. rarely	c. sometimes	d. sometime
----------	-----------	--------------	-------------

15. We want to show our ----- to all the staff who try in providing our local National Health Services.

a. recognition	b. dedication	c. situation	d. appreciation
----------------	---------------	--------------	-----------------

16. He complained that the doctor's ----- towards him had been inappropriate.

a. location	b. behavior	c. rule	d. conversation
-------------	-------------	---------	-----------------

17. Just as the Apple computer appeared, two researchers ----- a company called Adobe and developed the laser printer.

a. founded	b. discovered	c. narrated	d. installed
------------	---------------	-------------	--------------



18. This year, scientists ----- water instead of ice at the North Pole for the first time.
- |                    |                      |                   |                    |
|--------------------|----------------------|-------------------|--------------------|
| a. <i>invented</i> | b. <i>discovered</i> | c. <i>lowered</i> | d. <i>provided</i> |
|--------------------|----------------------|-------------------|--------------------|
19. Nurses who ----- the elderly in Tehran are to explain their role at a special meeting next month.
- |                   |                    |                   |                 |
|-------------------|--------------------|-------------------|-----------------|
| a. <i>respect</i> | b. <i>care for</i> | c. <i>deserve</i> | d. <i>check</i> |
|-------------------|--------------------|-------------------|-----------------|
20. To analyze the data we employed a/an ----- of qualitative and simple quantitative techniques.
- |                     |                       |                      |                       |
|---------------------|-----------------------|----------------------|-----------------------|
| a. <i>attention</i> | b. <i>competition</i> | c. <i>definition</i> | d. <i>combination</i> |
|---------------------|-----------------------|----------------------|-----------------------|
21. So far, managers have refused to ----- or deny reports that up to 200 jobs are to go.
- |                 |                   |                  |                       |
|-----------------|-------------------|------------------|-----------------------|
| a. <i>spare</i> | b. <i>confirm</i> | c. <i>regard</i> | d. <i>distinguish</i> |
|-----------------|-------------------|------------------|-----------------------|
22. The driver should ----- at a yellow signal and come to a complete stop at a red light.
- |                 |                  |                 |                 |
|-----------------|------------------|-----------------|-----------------|
| a. <i>pause</i> | b. <i>record</i> | c. <i>catch</i> | d. <i>boost</i> |
|-----------------|------------------|-----------------|-----------------|
23. She was angry because her boss increased her ----- in her job, but he didn't increase her salary.
- |                  |                    |                  |                        |
|------------------|--------------------|------------------|------------------------|
| a. <i>duties</i> | b. <i>feelings</i> | c. <i>values</i> | d. <i>inspirations</i> |
|------------------|--------------------|------------------|------------------------|
24. Excuse me, I think you've ----- a mistake in our bill.
- |               |                |                |                 |
|---------------|----------------|----------------|-----------------|
| a. <i>had</i> | b. <i>made</i> | c. <i>done</i> | d. <i>given</i> |
|---------------|----------------|----------------|-----------------|
25. We will ----- no efforts to find out who did this.
- |                   |                 |                   |                    |
|-------------------|-----------------|-------------------|--------------------|
| a. <i>forgive</i> | b. <i>spare</i> | c. <i>confirm</i> | d. <i>dedicate</i> |
|-------------------|-----------------|-------------------|--------------------|
26. Happiness isn't about getting what you want. It's about loving and being ----- for what you have received.
- |                    |                    |                      |                     |
|--------------------|--------------------|----------------------|---------------------|
| a. <i>grateful</i> | b. <i>powerful</i> | c. <i>meaningful</i> | d. <i>depressed</i> |
|--------------------|--------------------|----------------------|---------------------|
27. We received your invitation and are sorry to ----- you that we won't attend the conference.
- |                   |                   |                  |                    |
|-------------------|-------------------|------------------|--------------------|
| a. <i>connect</i> | b. <i>confirm</i> | c. <i>inform</i> | d. <i>dedicate</i> |
|-------------------|-------------------|------------------|--------------------|
28. This ----- of students doesn't seem to care about school as much as their parents.
- |                     |                       |                        |                      |
|---------------------|-----------------------|------------------------|----------------------|
| a. <i>tradition</i> | b. <i>inspiration</i> | c. <i>installation</i> | d. <i>generation</i> |
|---------------------|-----------------------|------------------------|----------------------|
29. I would be most ----- if you would send me the book immediately.
- |                   |                     |                    |                       |
|-------------------|---------------------|--------------------|-----------------------|
| a. <i>hopeful</i> | b. <i>dedicated</i> | c. <i>grateful</i> | d. <i>responsible</i> |
|-------------------|---------------------|--------------------|-----------------------|
30. The name of the dead man will not be released until his relatives have been -----.
- |                   |                       |                     |                    |
|-------------------|-----------------------|---------------------|--------------------|
| a. <i>invited</i> | b. <i>appreciated</i> | c. <i>respected</i> | d. <i>informed</i> |
|-------------------|-----------------------|---------------------|--------------------|
31. Koalas and humans are the only animals with unique fingerprints and, in fact, koala fingerprints cannot be ----- from human fingerprints.
- |                         |                    |                    |                      |
|-------------------------|--------------------|--------------------|----------------------|
| a. <i>distinguished</i> | b. <i>replaced</i> | c. <i>informed</i> | d. <i>discovered</i> |
|-------------------------|--------------------|--------------------|----------------------|
32. A police detective often finds himself in the position of having to ----- between a lie and a truth.
- |                   |                    |                   |                       |
|-------------------|--------------------|-------------------|-----------------------|
| a. <i>forgive</i> | b. <i>dedicate</i> | c. <i>mention</i> | d. <i>distinguish</i> |
|-------------------|--------------------|-------------------|-----------------------|
33. Jane suddenly ----- tears thinking about leaving this place and all of her friends for 3 years.
- |                    |                    |                        |                      |
|--------------------|--------------------|------------------------|----------------------|
| a. <i>look for</i> | b. <i>care for</i> | c. <i>take care of</i> | d. <i>burst into</i> |
|--------------------|--------------------|------------------------|----------------------|
34. The music was loud at the party, and ----- I could not hear what you were saying.
- |                   |                       |                 |                 |
|-------------------|-----------------------|-----------------|-----------------|
| a. <i>whereby</i> | b. <i>by accident</i> | c. <i>hence</i> | d. <i>aloud</i> |
|-------------------|-----------------------|-----------------|-----------------|
35. Although the excellent worker ----- a pay raise, his strict boss refuses to give him extra money.
- |                  |                 |                   |                   |
|------------------|-----------------|-------------------|-------------------|
| a. <i>inform</i> | b. <i>boost</i> | c. <i>deserve</i> | d. <i>provide</i> |
|------------------|-----------------|-------------------|-------------------|

36. The book I got out of the library ----- the information I needed to finish my report, so I'll have to find a better one.

a. born	b. lacked	c. improved	d. signaled
---------	-----------	-------------	-------------

37. Serious actions must be taken to prevent more accidents. Roads are not capable of carrying heavy traffic and our rules seem not to ----- effectively.

a. protect	b. function	c. disagree	d. defend
------------	-------------	-------------	-----------

38. He ----- his little brother for breaking his toy airplane, but warned him to be more careful.

a. forgave	b. signaled	c. mentioned	d. distinguished
------------	-------------	--------------	------------------

39. Check that any medicine you are taking ----- no risk for your developing baby.

a. builds	b. identifies	c. generates	d. carries
-----------	---------------	--------------	------------

40. Although it may not be the best -----, we are hoping that closing the center two days a week will help us save money.

a. inspiration	b. solution	c. location	d. connection
----------------	-------------	-------------	---------------

41. Police hoped that showing the missing girl's face on the news would ----- new interest in her case.

a. lower	b. compare	c. pause	d. generate
----------	------------	----------	-------------

42. We are a one-income family now; ----- we will not be taking two vacation trips this year.

a. sometime	b. when	c. hence	d. once
-------------	---------	----------	---------

43. Not -----, it was much appreciated by Hitler and the Nazi immigration lawyers.

a. unconditionally	b. hopefully	c. surprisingly	d. seriously
--------------------	--------------	-----------------	--------------

44. Because of their cultural -----, the Wang family still celebrates Chinese New Year every year.

a. difference	b. process	c. heritage	d. generation
---------------	------------	-------------	---------------

45. It is our ----- that makes us who we are and how we are different from everybody else.

a. sense of belonging	b. sense of appreciation
c. sense of identity	d. sense of responsibility

46. I'd never ----- myself if anything happened to the kids.

a. shout	b. forgive	c. found	d. regard
----------	------------	----------	-----------

47. She has always been encouraged to swim to build up the ----- of her muscles.

a. feeling	b. difference	c. description	d. strength
------------	---------------	----------------	-------------

48. Whenever she tried to have a ----- conversation with her friend, her friend always changed the subject to a new one.

a. countless	b. meaningful	c. religious	d. compound
--------------	---------------	--------------	-------------

49. If you do not ----- your parents of where you will be when you leave the house, it only makes sense that they would worry about you.

a. inform	b. feed	c. provide	d. confirm
-----------	---------	------------	------------

50. The ----- soldier is remembered by his family and friends as a trustworthy person who would help anyone in need.

a. honorable	b. curious	c. unreal	d. passive
--------------	------------	-----------	------------

51. The beautiful forests of this country are part of our national ----- and must be protected.

a. elicitation	b. generation	c. heritage	d. inspiration
----------------	---------------	-------------	----------------

52. Researchers have found that one ----- of the brain is to produce substances that can improve your health.
- |               |                 |             |             |
|---------------|-----------------|-------------|-------------|
| a. collection | b. distribution | c. function | d. solution |
|---------------|-----------------|-------------|-------------|
53. Although I don't always show it, I ----- my mother-in-law as a woman of wisdom.
- |          |           |          |         |
|----------|-----------|----------|---------|
| a. shout | b. regard | c. boost | d. born |
|----------|-----------|----------|---------|
54. The clinic provides free ----- for elderly and infirm people who lack health insurance.
- |         |             |         |        |
|---------|-------------|---------|--------|
| a. look | b. dedicate | c. care | d. ask |
|---------|-------------|---------|--------|
55. The happiest are not those who own all the best things, but those who can ----- the beauty of life.
- |          |           |               |          |
|----------|-----------|---------------|----------|
| a. boost | b. regret | c. appreciate | d. bless |
|----------|-----------|---------------|----------|
56. Even an expert would find it hard to ----- between the original painting and the copy.
- |                |             |            |           |
|----------------|-------------|------------|-----------|
| a. distinguish | b. identify | c. inspire | d. belong |
|----------------|-------------|------------|-----------|
57. A generous businessman ----- three million dollars to the charity.
- |            |              |          |           |
|------------|--------------|----------|-----------|
| a. donated | b. respected | c. cured | d. hugged |
|------------|--------------|----------|-----------|
58. I ----- two mistakes in my exam.
- |         |        |         |       |
|---------|--------|---------|-------|
| a. took | b. did | c. made | d. do |
|---------|--------|---------|-------|
59. He's a very kind doctor. He's completely ----- to his work.
- |              |              |             |          |
|--------------|--------------|-------------|----------|
| a. dedicated | b. religious | c. generous | d. cruel |
|--------------|--------------|-------------|----------|
60. I was sitting ----- the sofa and having a ----- meal.
- |              |               |              |               |
|--------------|---------------|--------------|---------------|
| a. at - fast | b. at - quick | c. on - fast | d. in - quick |
|--------------|---------------|--------------|---------------|
61. "Do you remember much about the accident?" "No, it all happened so -----."
- |               |             |            |                |
|---------------|-------------|------------|----------------|
| a. repeatedly | b. suddenly | c. quietly | d. wonderfully |
|---------------|-------------|------------|----------------|
62. Because of so much noise rising from the engine, we had to ----- to hear each other clearly.
- |          |            |          |          |
|----------|------------|----------|----------|
| a. reply | b. respect | c. shout | d. point |
|----------|------------|----------|----------|
63. While we were sitting in the living room, our aunt came in. She was very happy to see us,----- and kissing everybody kindly.
- |            |            |            |           |
|------------|------------|------------|-----------|
| a. hugging | b. calming | c. running | d. caring |
|------------|------------|------------|-----------|
64. A good teacher knows how to use the educational technologies to teach the subjects and ----- the right feedback from his students.
- |           |           |          |              |
|-----------|-----------|----------|--------------|
| a. signal | b. elicit | c. spoil | d. translate |
|-----------|-----------|----------|--------------|
65. When students become anxious during a test, they may ----- tell themselves they are going to fail, or that their teacher will become angry with them if they perform poorly.
- |             |            |               |              |
|-------------|------------|---------------|--------------|
| a. commonly | b. exactly | c. repeatedly | d. perfectly |
|-------------|------------|---------------|--------------|
66. Although many believes that he must be punished for what he did, there are a few people who suppose that he ----- all that penalty.
- |            |             |             |            |
|------------|-------------|-------------|------------|
| a. handled | b. deserved | c. regarded | d. founded |
|------------|-------------|-------------|------------|
67. Three years ago, they began their life with great love, but now unfortunately, they want to get a divorce, because they ----- agree on what to do.
- |            |           |            |          |
|------------|-----------|------------|----------|
| a. usually | b. rarely | c. shortly | d. sadly |
|------------|-----------|------------|----------|

68. He was one of the Australia's most ----- artists, known for his paintings of nature.  

<i>a. distinguished</i>	<i>b. oral</i>	<i>c. frightening</i>	<i>d. quiet</i>
-------------------------	----------------	-----------------------	-----------------
69. The elderly people have plenty of experience and knowledge to share with younger generations, therefore, behaving towards them with ----- should be duty to all of us.  

<i>a. respect</i>	<i>b. relation</i>	<i>c. rudeness</i>	<i>d. repetition</i>
-------------------	--------------------	--------------------	----------------------
70. She has observed something unusual in her father's ----- recently. I think it is absolutely necessary for him to go to a psychologist.  

<i>a. physician</i>	<i>b. behavior</i>	<i>c. medicine</i>	<i>d. professor</i>
---------------------	--------------------	--------------------	---------------------
71. A part of her might never ----- him for what he did, and that was a dark part of her personality that she didn't want him to see.  

<i>a. explain</i>	<i>b. prevent</i>	<i>c. participate</i>	<i>d. forgive</i>
-------------------	-------------------	-----------------------	-------------------
72. Jalal Al Ahmad is a ----- writer in Iran.  

<i>a. distinguished</i>	<i>b. regretful</i>	<i>c. cruel</i>	<i>d. quiet</i>
-------------------------	---------------------	-----------------	-----------------
73. Children often ----- at one another because they don't have the skills to solve disagreements appropriately.  

<i>a. look</i>	<i>b. add</i>	<i>c. shout</i>	<i>d. start</i>
----------------	---------------	-----------------	-----------------
74. The broken-hearted father was sad to learn that the airbag had failed to ----- his daughter during the car crash.  

<i>a. report</i>	<i>b. protect</i>	<i>c. cause</i>	<i>d. take</i>
------------------	-------------------	-----------------	----------------
75. The students were extremely under ----- to obey the school rules not to wear jeans, or they couldn't attend the classes.  

<i>a. donate</i>	<i>b. pressure</i>	<i>c. care</i>	<i>d. strength</i>
------------------	--------------------	----------------	--------------------
76. Six people have ----- that they will attend the meeting but ten people haven't replied yet.  

<i>a. confirmed</i>	<i>b. discovered</i>	<i>c. combined</i>	<i>d. inspired</i>
---------------------	----------------------	--------------------	--------------------
77. My mother ----- every hour of the day to take care of us while my father was away at work.  

<i>a. founded</i>	<i>b. dedicated</i>	<i>c. shared</i>	<i>d. regarded</i>
-------------------	---------------------	------------------	--------------------
78. Parents need to encourage a sense of ----- in their children in order to behave in a way that will not harm themselves or other people.  

<i>a. identity</i>	<i>b. humor</i>	<i>c. appreciation</i>	<i>d. inspiration</i>
--------------------	-----------------	------------------------	-----------------------
79. Some of the managers give really helpful ----- to improve the quality of working lives in the society.  

<i>a. responsibility</i>	<i>b. protection</i>	<i>c. combination</i>	<i>d. cure</i>
--------------------------	----------------------	-----------------------	----------------
80. Always keep your head up, because if it's down you won't be able to see the ----- that have been placed in your life.  

<i>a. generation</i>	<i>b. solution</i>	<i>c. guideline</i>	<i>d. blessing</i>
----------------------	--------------------	---------------------	--------------------
81. As I know, the author ----- no documentary references to support her statements.  

<i>a. distinguishes</i>	<i>b. shows</i>	<i>c. provides</i>	<i>d. concerns</i>
-------------------------	-----------------	--------------------	--------------------
82. She can't go out to work because she has to stay at home to ----- her elderly mother.  

<i>a. hug</i>	<i>b. look for</i>	<i>c. care for</i>	<i>d. bring up</i>
---------------	--------------------	--------------------	--------------------

83. The charity uses pictures of small children on its website to ----- the support of the public.  

<i>a. elicit</i>	<i>b. boost</i>	<i>c. protect</i>	<i>d. donate</i>
------------------	-----------------	-------------------	------------------
84. Most working environments are improved by ----- of a few plants and pictures.  

<i>a. feeling</i>	<i>b. correction</i>	<i>c. addition</i>	<i>d. installation</i>
-------------------	----------------------	--------------------	------------------------
85. The successful marketing of the new product has already ----- sales and increased profits.  

<i>a. boosted</i>	<i>b. spared</i>	<i>c. protected</i>	<i>d. succeeded</i>
-------------------	------------------	---------------------	---------------------
86. None of us had enough money to invest in a business so we decided to ----- what we've got.  

<i>a. achieve</i>	<i>b. retire</i>	<i>c. combine</i>	<i>d. reply</i>
-------------------	------------------	-------------------	-----------------
87. We plan to organize a special party to celebrate the 50<sup>th</sup> anniversary of ----- of the company.  

<i>a. leaving</i>	<i>b. feeding</i>	<i>c. finding</i>	<i>d. founding</i>
-------------------	-------------------	-------------------	--------------------
88. I'll never forget the date of the first day I met my wife. I've written all the special dates in my -----.  

<i>a. arrow</i>	<i>b. diary</i>	<i>c. artifact</i>	<i>d. souvenir</i>
-----------------	-----------------	--------------------	--------------------
89. The company likes to ----- wind turbines on the mountain and use them as a source of energy.  

<i>a. carry</i>	<i>b. install</i>	<i>c. record</i>	<i>d. form</i>
-----------------	-------------------	------------------	----------------
90. The organization works on the ----- that all members have the same rights.  

<i>a. metal</i>	<i>b. role</i>	<i>c. principle</i>	<i>d. order</i>
-----------------	----------------	---------------------	-----------------
91. I don't think she's ever quite ----- me for calling her name wrong that time.  

<i>a. forgiven</i>	<i>b. forgotten</i>	<i>c. invented</i>	<i>d. paid</i>
--------------------	---------------------	--------------------	----------------
92. We have ----- received complaints from our customers. They still send us lots of emails.  

<i>a. beautifully</i>	<i>b. probably</i>	<i>c. powerfully</i>	<i>d. repeatedly</i>
-----------------------	--------------------	----------------------	----------------------
93. She was grateful for the help and baked them a cake as a sign of her -----.  

<i>a. agreement</i>	<i>b. selection</i>	<i>c. appreciation</i>	<i>d. importance</i>
---------------------	---------------------	------------------------	----------------------
94. When he saw many examples of immoral acts, he wrote an article criticizing the society for its lack of -----.  

<i>a. identities</i>	<i>b. entertainments</i>	<i>c. ethics</i>	<i>d. diversities</i>
----------------------	--------------------------	------------------	-----------------------
95. Animals should not be kept in zoos and we should take them back to where they -----.  

<i>a. attend</i>	<i>b. consider</i>	<i>c. belong</i>	<i>d. carry</i>
------------------	--------------------	------------------	-----------------
96. The book has 360 pages, ----- an introduction and 20 chapters.  

<i>a. weaving</i>	<i>b. combining</i>	<i>c. including</i>	<i>d. recognizing</i>
-------------------	---------------------	---------------------	-----------------------
97. For me, going to college is just a means to -----, a way to get a better job.  

<i>a. an end</i>	<i>b. an aid</i>	<i>c. a right</i>	<i>d. a profit</i>
------------------	------------------	-------------------	--------------------
98. The mother asked the teacher to kindly keep her ----- her child's progress at school.  

<i>a. informed of</i>	<i>b. friendly towards</i>	<i>c. careful about</i>	<i>d. interested in</i>
-----------------------	----------------------------	-------------------------	-------------------------
99. I am tired of you; please don't complain about things, you are not ----- to work hard to change.  

<i>a. willing</i>	<i>b. social</i>	<i>c. specific</i>	<i>d. responsible</i>
-------------------	------------------	--------------------	-----------------------
100. It is exiting to do something that really ----- a difference in your community.  

<i>a. does</i>	<i>b. gets</i>	<i>c. make</i>	<i>d. acts</i>
----------------	----------------	----------------	----------------

# گرامر درس اول:

## "جملات معلوم و مجهول" "Active & Passive Voice"

**جمله معلوم (Active Voice):** جمله ای که در آن فاعل (یا کننده کار) معلوم و مشخص باشد و در ابتدای جمله بیاید را "جمله معلوم" مینامیم. در جملات معلوم تأکید بر "رابطه ی ما بین فاعل و فعل" میباشد.

ترتیب اجزای جمله معلوم (جملات مثبت):

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل

My mother is washing the dishes carefully in the kitchen right now.

فاعل      فعل کمکی      فعل اصلی      مفعول      قید حالت      قید مکان      قید زمان

"مادرم هم اکنون در آشپزخانه با دقت در حال شستن ظرفها میباشد."

**جمله مجهول (Passive Voice):** جمله ای که در آن یا فاعل (کننده کار) جمله معلوم و مشخص نباشد و یا اینکه اهمیت فعل و مفعول بیشتر از دانستن فاعل جمله باشد را "جمله مجهول" مینامیم. در جملات مجهول، مفعول به جای فاعل در ابتدای جمله قرار می گیرد. در جملات مجهول "تأکید بر رابطه فعل و مفعول" میباشد.

ترتیب اجزای جمله مجهول (جملات مثبت):

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + فعل کمکی + مفعول

The dishes are being washed carefully in the kitchen right now (by My mother).

فاعل      قید زمان      قید مکان      قید حالت      شکل سوم فعل      فعل کمکی      مفعول

"هم اکنون ظرفها با دقت در آشپزخانه در حال شسته شدن هستند (توسط مادرم)."

موارد ترجیح جمله مجهول بر جمله معلوم:

**الف)** وقتی نمی دانیم یا اهمیت ندارد که چه کسی کار را انجام داده است.

**ب)** در متون علمی که تأکید عمدتاً بر عمل است، و نه فاعل عمل. (یعنی اهمیت عمل انجام شده، از خود فاعل بیشتر است).

**نکته مهم:** جمله ای که فعل آن متعدی یا گذرا است، (مفعول دارد) را میتوان به صورت مجهول بکار برد. اما جمله ای که فعل آن لازم یا ناگذرا است، مجهول نمیشود، چون مفعول ندارد. پس فعلهای لازم، هیچگاه بصورت مجهول بکار برده نمیشوند. مهمترین افعال لازم عبارتند از:

<b>happen</b>	<b>get up</b>	<b>wait</b>	<b>understand</b>	<b>occur</b>
اتفاق افتادن	از خواب بیدار شدن	منتظر ماندن	درک کردن	اتفاق افتادن
<b>rise</b>	<b>live</b>	<b>arrive</b>	<b>seem</b>	<b>work</b>
بالا آمدن	زندگی کردن	رسیدن به	به نظر رسیدن	کار کردن
<b>die</b>	<b>appear</b>	<b>sleep</b>	<b>go</b>	<b>disappear</b>
مردن	ظاهر شدن	خوابیدن	رفتن	ناپدید شدن

## مراحل تبدیل جمله ی معلوم به مجهول:

- ۱- مفعول را به اول جمله آورده و آن را **نائب فاعل** مینامیم. برای یافتن مفعول جمله، فعل اصلی جمله ی معلوم را ترجمه کرده و از خود میپرسیم: "**چه چیز را**" یا "**چه کسی را**". جواب این سؤال، مفعول جمله خواهد بود.
- ۲- با توجه به زمان جمله و مفرد و جمع بودن مفعول (نائب فاعل)، یکی از افعال **to be** را مینویسیم.
- ۳- شکل سوم فعل یا اسم مفعول (past participle) جمله معلوم را در ادامه جمله مجهول می آوریم. چنانچه فعلی باقاعده باشد، شکل سوم فعل **ed** میگیرد و چنانچه فعلی بی قاعده باشد، شکل سوم آن را باید حفظ کرد.
- ۴- بقیه جمله یعنی قیدهها را در ادامه می آوریم.

نکته: در جملات مجهول میتوان قید حالت را به "**قبل از شکل سوم فعل**" هم منتقل کرد.

- ۵- در انتهای جمله مجهول، میتوان فاعل جمله را با کمک "**حرف اضافه by**" (به وسیله، توسط) بیاوریم. میتوان این مرحله را بلافاصله بعد از شکل سوم فعل آورد.

**توجه مهم ۱:** اگر بخواهیم فاعل را در جمله مجهول بصورت ضمیر بکار ببریم، از "**ضمیر مفعولی**" استفاده میکنیم. چون بعد از حروف اضافه ضماین به صورت مفعولی بکار میروند.

**جمله معلوم:** The famous writer wrote the book in his hometown last year.

فاعل

"نویسنده معروف این کتاب را سال گذشته در زادگاهش نوشت."

**جمله مجهول:** The book **was written** in his hometown last year (by him).

ضمیر مفعولی

"این کتاب سال گذشته توسط او در زادگاهش نوشته شد." ( him یک ضمیر مفعولی میباشد.)

**توجه مهم ۲:** اگر مفعول را در جمله مجهول به ضمیر تبدیل کنیم، آن ضمیر فقط "**ضمیر فاعلی**" خواهد بود چون ضماین مفعولی را نمیتوان در ابتدای جمله به کار برد.

**جمله معلوم:** They saw him in the park yesterday.

مفعول فعل فاعل

"آنها دیروز او را در پارک دیدند."

"او دیروز در پارک دیده شد (توسط آنها)." **He was seen** in the park yesterday (by them).

(در مثال بالا، ضمیر مفعولی **him** چون به ابتدای جمله آمده، تبدیل به ضمیر فاعلی **he** شده است.)

www.my-dars.ir

I, you, he, she, it, we, you, they

**یادآوری:** ضماین فاعلی عبارتند از:

me, you, him, her, it, us, you, them

ضماین مفعولی عبارتند از:

**نکته:** چنانچه در جمله مجهولی، فاعل جمله، "**شیئی** یا **ابزار**" باشد از حرف اضافه **with** استفاده میکنیم.

**جمله معلوم:** Snow covered the yard.

فاعل (شیء)

"برف حیاط را پوشاند."

**جمله مجهول:** The yard **was covered with** snow.

"حیاط با برف پوشیده شد."

# ۱- مجهول جملات "زمان حال ساده":

یادآوری: برای بیان کارهای روزمره، تکرار، عادات و حقایق علمی از "زمان حال ساده" استفاده می‌کنیم.

## فرمول جملات مثبت زمان حال ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	------

"آنها در روزهای جمعه به مادربزرگشان سر می‌زنند."  
 They **visit** their grandmother on **Fridays**.  
 شکل ساده فعل فاعل

## مشخصه های زمان حال ساده:

۱) ترکیب **every** و **each** با قید زمان (every week)

۲) ایام هفته به صورت جمع (on Mondays)

۳) قیدهایی تکرار (در جلسات آتی به طور کامل با قیدهایی تکرار آشنا خواهیم شد).

اغلب	often	معمولاً	generally	معمولاً	usually	همیشه	always
هرگز	never	به ندرت	hardly	معمولاً	normally	گاهی اوقات	sometimes
گاهی	occasionally	به ندرت	seldom	به ندرت	barely	به ندرت	scarcely
		به ندرت	hardly ever	به ندرت	rarely	اغلب	frequently

"من معمولاً روزهای پنجشنبه به پارک می‌روم."  
 I **usually** go to the park on Thursdays.

۴) در زمان حال ساده همیشه برای فاعل‌های "سوم شخص مفرد" که ضمیر فاعلی آنها (it/ she / he) میباشد، به فعل جمله «s» یا «es» سوم شخص اضافه می‌کنیم:

"او هر روز در پارک فوتبال بازی میکند."  
 He **plays** football in the park every day.

## سؤالی و منفی کردن زمان حال ساده:

برای سؤالی کردن از **do** به معنی (آیا) و برای منفی کردن از فعل کمکی **don't** به معنی (ن) استفاده می‌کنیم:

"آیا آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می‌کنند."  
**Do** they speak English in class every session?

"آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت نمی‌کنند."  
 They **don't** speak English in class every session.

**نکته:** در جملات زمان حال ساده، هر گاه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای مفرد باشد برای سؤالی کردن جمله از **does** و برای منفی کردن جمله از **doesn't** استفاده میکنیم.

"آیا او معمولاً برای ناهار پیتزا می‌خورد؟"  
**Does** she usually eat pizza for lunch.

"او معمولاً برای ناهار پیتزا نمی‌خورد."  
 She **doesn't** usually eat pizza for lunch.

## فرمول جمله مجهول زمان حال ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + افعال کمکی **am / is / are** + مفعول

"دانشمندان راه حل‌هایی برای مسائل پیدا میکنند."  
 Scientists **find** solutions to problems. جمله معلوم

"راه حل‌هایی برای مسائل توسط آنها پیدا میشود."  
 Solutions to problems **are found** (by them). جمله مجهول

شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول



## ۲- مجهول جملات "زمان گذشته ساده":

**یادآوری:** برای بیان کاری که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده باشد از "زمان گذشته ساده" استفاده می‌کنیم.

### فرمول جملات مثبت زمان گذشته ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل دوم فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	-------------	------

"دیروز در پارک فوتبال بازی کردم." I **played** football in the park yesterday.

### طریقه ساختن زمان گذشته ساده:

قاعده کلی این است که به آخر فعل «ed» اضافه کنیم (مانند مثال بالا) اما بعضی افعال از این قاعده پیروی نمی‌کنند که به آنها "افعال بی قاعده" می‌گوییم و باید گذشته آنها را حفظ کنیم.

"دیشب در یک رستوران ایتالیایی شام خوبی خوردیم." We **ate** a good dinner in an Italian restaurant *last* night.

### مشخصه های زمان گذشته ساده :

۱) قیدهای زمان گذشته (yesterday)

۲) ترکیب last (گذشته) با قید زمان (last night)

۳) ago (قبل، پیش) با قید زمان (2 years ago)

۴) شکل دوم فعل (در مثال بالا ate شکل دوم فعل eat است)

### سؤالی و منفی کردن زمان گذشته ساده:

این زمان هم همانند زمان حال ساده فعل کمکی ندارد و برای سؤالی کردن جمله از فعل کمکی **did** (آیا) و برای منفی کردن جمله از فعل کمکی **didn't** (ن) استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

"آیا او دیشب مقداری شیر نوشید؟" **Did** she **drink** some milk last night?

"او دیشب مقداری شیر ننوشید." She **didn't drink** some milk last night.

**نکته:** هنگام سؤالی و منفی کردن زمان گذشته ساده باید فعل اصلی جمله به "شکل ساده" تبدیل شود. پس شکل دوم فعل فقط در جملات مثبت این زمان بکار برده میشود.

### فرمول جمله مجهول زمان گذشته ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + افعال کمکی were / was + مفعول

"علی دیروز پنجره را شکست." Ali **broke** the window yesterday. جمله معلوم

"پنجره دیروز توسط علی شکسته شد." The window **was broken** yesterday (by him). جمله مجهول  
 مفعول                      شکل سوم فعل                      to be

"الکساندر فلمینگ پنیسیلین را کشف کرد." Alexander Fleming **discovered** penicillin. جمله معلوم

"پنیسیلین توسط او کشف شد." Penicillin **was discovered** (by him). جمله مجهول  
 مفعول                      شکل سوم فعل                      فعل کمکی

### ۳- مجهول جملات "زمان آینده ساده":

**یادآوری:** "زمان آینده ساده" به عملی اشاره می کند که در آینده صورت می گیرد. آینده ای که بدون تصمیم و برنامه ریزی قبلی انجام خواهد شد و با فعل کمکی "will" ساخته می شود. مخفف will بصورت (ll) نوشته میشود.

#### ساختار جملات مثبت زمان آینده ساده:

فاعل	فعل کمکی will	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	---------------	--------------	-------	----------	----------	----------

او به زودی به اروپا سفر خواهد کرد. " He **will travel** to Europe soon.

#### سؤالی و منفی کردن زمان آینده ساده:

برای سؤالی کردن زمان آینده ساده، فعل کمکی "will" را به ابتدای جمله منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان بعد از فعل کمکی "will"، از "not" استفاده کرده یا آن را به صورت مخفف یعنی "won't" به کار میبریم.

#### مشخصه های زمان آینده ساده:

*will - won't - soon - later - next month - next week - tomorrow - future*

#### فرمول جمله مجهول زمان آینده ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + will be + مفعول

خانم کاظمی فردا اتاق را تمیز خواهد کرد. " Mrs. Kazemi will clean the room tomorrow. جمله معلوم

"فردا اتاق تمیز خواهد شد. (توسط او)" " The room **will be cleaned** tomorrow (by her). جمله مجهول  
شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

**نکته:** از ساختار "be going to" به معنای «**قصد داشتن**» برای اشاره به برنامه ریزی و تصمیم قبلی که قرار است در آینده صورت بگیرد. استفاده می شود. (برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده) و همچنین برای بیان پیش بینی عملی در آینده که نشانه های وقوع آن وجود دارد. (با دلیل و مدرک).

فاعل	(am / is / are) going to	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	--------------------------	--------------	-------	----------	----------	----------

I've saved enough money. I **am going to buy** a big house in Boukan next month. "من پول کافی پس انداز کرده ام، قصد دارم ماه آینده در بوکان یک خانه بزرگ بخرم."

#### فرمول جمله مجهول زمان آینده ساده (قصد داشتن و برنامه ریزی):

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + am, is, are + going to be + مفعول

او قرار است هفته آینده یک ماشین قشنگی را بخرد. " He **is going to buy** a nice car next week. جمله معلوم

"یک ماشین قشنگی هفته آینده قرار است خریداری شود. (توسط او)." " A nice car **is going to be bought** next week (by him). جمله مجهول  
شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

## ۴- مجهول جملات "زمان حال استمراری":

**یادآوری:** برای بیان کاری که همین الان در حال انجام آن هستیم از "زمان حال استمراری" استفاده می‌کنیم:

فرمول جملات مثبت زمان حال استمراری:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل <b>ing</b> دار فعل	فعلهای کمکی <b>am / is / are</b>	فاعل
----------	----------	----------	-------	------------------------	----------------------------------	------

سؤالی و منفی کردن زمان حال استمراری:

برای سؤالی کردن این زمان، **am, is, are** را به ابتدای جمله آورده و برای منفی کردن بعد از آنها **not** را اضافه میکنیم.

مشخصه های زمان حال استمراری:

<i>now</i>	<i>at the moment</i>	<i>at the present</i>	<i>right now</i>
------------	----------------------	-----------------------	------------------

فرمول جمله مجهول زمان حال استمراری:

(فاعل + **by**) + قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **being** + **am / is / are** + مفعول

"آنها هم اکنون در حال ساخت یک فیلمی هستند." They **are making** a film right now. جمله معلوم

"یک فیلمی (توسط آنها) هم اکنون در حال ساخته شدن است." A film **is being made** right now (by them). جمله مجهول  
شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

## ۵- مجهول جملات "زمان گذشته استمراری":

**یادآوری:** از "زمان گذشته استمراری" برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار انجام گرفته باشد، استفاده میشود.

ساختار جملات مثبت زمان گذشته استمراری:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل <b>ing</b> دار فعل	<b>was / were</b>	فاعل
----------	----------	----------	-------	------------------------	-------------------	------

"او دیروز از ساعت ۶ تا ۸ مشغول تماشای یک فیلم بود." He **was watching** a movie yesterday from 6 to 8.

سؤالی و منفی کردن زمان گذشته استمراری:

برای سؤالی کردن این زمان **was** یا **were** را به ابتدای جمله بیاوریم و برای منفی کردن بعد از آنها، **not** را اضافه کنیم.

مشخصه های زمان گذشته استمراری:

زمان گذشته استمراری به کمک کلمات ربط **when** و **while** با جمله های "زمان گذشته ساده" ترکیب میشود. فعل استفاده شده در عباراتی که با **when** می‌آید، معمولاً گذشته ساده و با **while** زمان گذشته استمراری به کار می‌رود.

فرمول جمله مجهول زمان گذشته استمراری:

(فاعل + **by**) + قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **being** + **was / were** + مفعول

"خواهرم مشغول تمیز کردن پنجره ها بود وقتی که به خانه رسیدم." My sister **was cleaning** the windows **when** I arrived home. جمله معلوم

"پنجره ها در حال تمیز شدن بودند وقتی که من به خانه رسیدم." The windows **were being cleaned** **when** I arrived home. جمله مجهول  
شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

## 6 - مجهول جملات "زمان حال کامل (ماضی نقلی)":

**یادآوری:** از "زمان حال کامل" برای اشاره به عملی که در گذشته انجام گرفته و اثر و نتیجه آن تا زمان حال باقی مانده باشد، یا آن عمل تا زمان حال ادامه پیدا کرده باشد استفاده میکنیم.

### ساختار جملات مثبت زمان حال کامل:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (P.P.)	have / has	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	------------	------

"پدرش به مدت ۱۵ سال در آن اداره کار کرده است." His father **has worked** in that office for 15 years.

### سؤالی و منفی کردن زمان حال کامل:

برای سؤالی کردن این زمان have / has را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن، بعد از آنها not را اضافه میکنیم.

### مشخصه های زمان حال کامل:

... twice - - once - recently - already - since - for - yet - ever - so far - up to now - during

### فرمول جمله مجهول زمان حال کامل:

(فاعل + by) + قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + has / have + been + مفعول

"آنها از سال ۱۹۹۸ از این ماشین استفاده کرده اند." They **have used** this car since 1998. جمله معلوم

"از سال ۱۹۹۸ از این ماشین استفاده شده است." This car **has been used** since 1998. جمله مجهول

شکل سوم فعل    فعل کمکی    مفعول

## 7 - مجهول جملات زمان گذشته کامل (ماضی بعید): (درس ۳)

**یادآوری:** برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد، از "زمان گذشته کامل" استفاده میکنیم. (در درس سوم به طور کامل با این زمان و کاربردهای آن آشنا خواهیم شد.)

### ساختار جملات مثبت زمان گذشته کامل:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (P.P.)	had	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	-----	------

### سؤالی و منفی کردن زمان گذشته کامل:

برای سؤالی کردن این زمان، had را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن، بعد از آن، not را اضافه میکنیم.

### مشخصه های زمان گذشته کامل:

when, before, after, because, since, by the time, as soon as, until, ...

### فرمول جمله مجهول زمان گذشته کامل:

... + (فاعل + by) + قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + had + been + مفعول

جمله معلوم: They **had learnt** French carefully before they traveled to France.

"آنها به دقت زبان فرانسوی را یاد گرفته بودند قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

جمله مجهول: French **had been learnt** carefully (by them) before they traveled to France.

"زبان فرانسوی به دقت توسط آنها یاد گرفته شده بود قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

## ۸- مجهول کردن جملاتی که "افعال ناقص (Modals) دارند (درس ۳)

**یادآوری:** افعال ناقص تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد میباشند. این افعال بعد از فاعل و قبل از فعل اصلی جمله بکار میروند و فعل بعد از آنها بصورت "شکل ساده" خواهد بود.

can, could, may, might, should, must, ...

### فرمول جملات معلومی که فعل ناقص دارند:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فعل ناقص	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	----------	------

"تو امروز میتونی کارت را زودتر تمام کنی." You **can stop** work early today.

"تو باید بیشتر از این از والدینت دیدن کنی." You **should visit** your parents more than this.

### فرمول مجهول جملاتی که فعل ناقص دارند:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + be + فعل ناقص + مفعول

"مدیر باید به والدین زنگ بزند." The principal **should call** the parents. جمله معلوم

"به والدین باید زنگ زده شود. (توسط مدیر)" The parents **should be called** (by the principal). جمله مجهول

مفعول      فعل کمکی      شکل سوم فعل

## فرمول اصلی جملات مجهول زمانهای مورد نیاز در کنکور:

مرحله ۵	مرحله ۴	مرحله ۳	مرحله ۲	مرحله ۱	زمان
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	حال ساده
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	گذشته ساده
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	آینده ساده
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	حال استمراری
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	گذشته استمراری
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	حال کامل
(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	گذشته کامل

**نکته ۱:** در جملات مجهول، میتوان "قید حالت" را به قبل از شکل سوم فعل انتقال داد.

**نکته ۲:** در جملات مجهول، میتوان "فاعل + By" را به بعد از شکل سوم فعل انتقال داد.

**یادآوری:** چنانچه در جمله ای فعل ناقص وجود داشته باشد، در حالت مجهول فرمول آنها به صورت زیر خواهد بود:

(فاعل + By)	قید زمان	قید مکان	قید حالت	شکل سوم فعل	be + فعل ناقص	مفعول
-------------	----------	----------	----------	-------------	---------------	-------

## دانستن نکات زیر در حل تستهای مربوط به جملات معلوم و مجهول بسیار مفید خواهد بود:

**نکته ۱:** برای سؤالی کردن جملات مجهول، فعل کمکی را به قبل از فاعل می‌آوریم. چنانچه در جمله‌ی مجهولی بیشتر از یک فعل کمکی داشته باشیم، فقط اولین فعل کمکی را به قبل از فاعل آورده و فعل کمکی دوم در جای خود باقی خواهد ماند:

Their names **have just been added** on this list. "اسم آنها تازه به این لیست اضافه شده است."  
**Have** their names just **been added** on this list? "آیا اسم آنها تازه به این لیست اضافه شده است؟"

The monkeys **are being studied** in this lab. "در این آزمایشگاه بر روی این میمونها آزمایش انجام میشود."  
Where **are** the monkeys **being studied** now? "کجا بر روی این میمونها آزمایش انجام میشود؟"

**نکته ۲:** برای منفی کردن جملات مجهول، به اولین فعل کمکی، not یا مخفف آن n't اضافه می‌شود:  
The window **was broken** yesterday. "پنجره دیروز شکسته شد."  
The window **was not broken** yesterday. "پنجره دیروز شکسته نشد."  
The letter **will be typed** tomorrow. "فردا نامه تایپ خواهد شد."  
The letter **won't be typed** tomorrow. "فردا نامه تایپ نخواهد شد."

**نکته ۳:** معمولاً در جملات مجهول، قید حالت، "قبل از شکل سوم فعل" بکار می‌رود:  
Behnam ate the dinner **rapidly** last night. "بهنام شب گذشته شام را با عجله خورد."  
The dinner **was rapidly eaten** last night. (by him). "شام شب گذشته با عجله توسط او خورده شد."  
قید حالت قید حالت

**نکته ۴:** برای مجهول کردن فعل دومی که بصورت ing دار (یعنی اسم مصدر) باشد، از ساختار زیر استفاده میکنیم:  
**being + pp**  
I **like** my father **taking** me to the zoo. "من دوست دارم پدرم من را به باغ وحش ببرد."  
فعل اول فعل دوم

I **like being taken** to the zoo by my father. "من دوست دارم (توسط پدرم) به باغ وحش برده شوم."  
فعل اول فعل دوم (مجهول)

**نکته ۵:** برای مجهول کردن فعل دوم بصورت مصدر با to، از ساختار زیر استفاده می‌کنیم.  
**to be + pp**  
My father **wanted** my brother **to post** the letter yesterday. "پدرم میخواست که برادرم نامه را پست کند."  
فعل اول فعل دوم  
My father **wanted** the letter **to be posted** by my brother yesterday. "پدرم میخواست که نامه (توسط برادرم) پست شود."  
فعل اول فعل دوم (مجهول)

**نکته ۶:** چنانچه بعد از ساختار مجهول فعل دیگری بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود. در این حالت حتی اگر فعل اول جزء افعالی باشد که بعد از آن اسم مصدر یا فعل ing دار هم بیاید، (مثل فعل finish, enjoy) اگر مجهول شوند، فعل بعد از آنها بصورت "مصدر با to" خواهد بود.

They **were forced to leave** the class quickly. "آنها مجبور شدند تا کلاس را فوراً ترک کنند."  
مصدر با to ساختار مجهول

**نکته ۷:** در درس دوم پایه یازدهم آموختیم که بعد از حروف اضافه، فعل به صورت **ing** دار می آید. حال یاد میگیریم چنانچه بخواهیم فعل بعد از حروف اضافه را مجهول کنیم، ساختار مجهول آن فعل بصورت "**being + pp**" خواهد بود:

He is looking forward **to being sent** to a mission by his company.

"او منتظر است تا به وسیله شرکتش، به یک مأموریتی **فرستاده شود**." حرف اضافه

**نکته ۸:** مجهول کردن افعالی که دو مفعول دارند: بعضی از فعلها میتوانند به طور همزمان ۲ مفعول در جمله داشته باشند:

- مفعولی که کار روی آن انجام میشود و اکثراً غیر انسان میباشد (مفعول مستقیم یا بی واسطه یا شیئی)  
 - مفعولی که کار برای آن انجام می شود (مفعول غیر مستقیم یا متمم) این مفعول اکثراً انسان میباشد (جاندار)

بنابراین میتوانیم دو بار جمله را مجهول کنیم و هر دفعه یکی از مفعولها را به ابتدای جمله بیاوریم ( معمولاً بهتر است مفعول غیر مستقیم ( مفعول شخصی ) به ابتدای جمله بیاید:

I gave him the book yesterday. "من دیروز به او کتاب را دادم."  
 "به او دیروز کتاب داده شد."  
 He **was given** the book yesterday. a) **جمله مجهول ۱**

I gave the book to him yesterday. "من دیروز کتاب را به او دادم."  
 "کتاب به او دیروز داده شد."  
 The book **was given** to him yesterday. b) **جمله مجهول ۲**

**مهمترین افعال دو مفعولی:**

ask	teach	get	bring	give	promise	borrow	tell
buy	make	offer	cook	lend	show	send	pay

**نکته ۹ (زبان تخصصی):** برای مجهول کردن جملات امری از ساختار زیر استفاده می کنیم:

**let + مفعول + be + pp**: مجهول جملات امری مثبت

Open the door. "در را باز کن."  
**Let** the door **be opened**. "بذار در باز بشه."

**mustn't + be + pp**: مجهول جملات امری منفی

**Don't open** this door. "این در را باز نکن."  
 This door **mustn't be opened**. "این در نباید باز شود."

**نکته ۱۰ (زبان تخصصی):** برای مجهول کردن جملاتی که با **who** سؤالی شده باشد در جمله مجهول به جای **who** از **by whom** استفاده میکنیم:

Who taught English last year? "چه کسی انگلیسی را سال گذشته تدریس کرد؟"  
 By whom was English taught last year? "توسط چه کسی انگلیسی سال گذشته تدریس شد؟"

برای مجهول کردن جملاتی که با **whom** سؤالی شده باشد در جمله مجهول به جای **whom** از **who** استفاده میکنیم:

Whom did they meet in the park yesterday? "چه کسی را آنها دیروز در پارک ملاقات کردند؟"  
 Who was met in the park yesterday? "چه کسی در پارک دیروز ملاقات شد."

**نکته ۱۱ (زبان تخصصی):** گاهی در جملات مجهول به جای فعل **to be** میتوانیم از فعل **to get** استفاده کنیم:

We didn't know the way to the hospital and **got lost**. "ما مسیر رفتن به بیمارستان را بلد نبودیم و گم شدیم."

## ۳. تست دستگرمی گرامر جملات "معلوم" و "مجهول"

سطح تستها: "ساده" - "آموزشی" (پاسخنامه صفحه: ۲۶۱ تا ۲۶۳)

1. English ----- in many countries.  
a. speaks                      b. is speaking                      c. is spoken                      d. has spoken
2. The man said, "Many cars ----- in this place."  
a. buy                      b. are buying                      c. will buy                      d. are bought
3. They take Mary to school every day. In other words, Mary ----- to school every day.  
a. takes                      b. are taken                      c. take                      d. is taken
4. The students cleaned the blackboard. In other words, The blackboard ----- by the students.  
a. did clean                      b. did cleaned                      c. was cleaned                      d. were cleaned
5. Betty has washed her hands. In other words, Betty's hands -----.  
a. have washed                      b. have been washed                      c. has washed                      d. has been washed
6. The tiger ----- in the forest last year.  
a. sees                      b. is seen                      c. saw                      d. was seen
7. A lot of homework ----- since 8 o'clock.  
a. has done                      b. has been doing                      c. has been done                      d. is being done
8. Many interesting Movies ----- in this cinema.  
a. show often                      b. often show                      c. are often shown                      d. are shown often
9. This product ----- at a low price for many years.  
a. is sold                      b. have been sold                      c. are sold                      d. has been sold
10. It's interesting to know that the bridge ----- two years ago.  
a. was built                      b. built                      c. has built                      d. has been built
11. This engine ----- a lot of electricity every day.  
a. is used                      b. uses                      c. will use                      d. will be used
12. The teacher said, "This lesson ----- before. We just want to review it today."  
a. teaches                      b. is taught                      c. has been taught                      d. has taught
13. The teacher has given us our papers. In other words, our papers ----- to us.  
a. has been given                      b. have been given                      c. has given                      d. have given
14. When -----?  
a. was the bridge built                      b. the bridge was built  
c. the bridge built                      d. did the bridge build
15. A: "Where -----?"                      B: "In Los Angeles."  
a. were you born                      b. are you born  
c. have you been born                      d. did you born
16. Something funny ----- in class today, and all the students laughed.  
a. is happened                      b. happened                      c. happens                      d. was happened
17. We ----- that you had borrowed the book from the library.  
a. told                      b. have told                      c. were told                      d. will be told



18. We ----- up by a loud noise last night.  
 a. woke                      b. had woken                      c. were woken                      d. were waking
19. The report of the experiments done by the students ----- to the teacher.  
 a. sent                      b. are sent                      c. are sending                      d. was sent
20. I didn't know that "Crime and Punishment" ----- by "Fyodor Dostoyevsky".  
 a. will be writing                      b. has been written  
 c. was writing                      d. was written
- 21- My sister ----- a good job by them, but she refused it.  
 a. offered                      b. have been offered                      c. were offered                      d. was offered
- 22- Mr. Alavi ----- a present by his colleagues when he retired.  
 a. was given                      b. is given                      c. gave                      d. has given
- 23- Albert Einstein ----- to the general public as the most famous scientist of all time.  
 a. knows                      b. is known                      c. were known                      d. have been known
- 24- Penicillin ----- in the 1940's, helping open up the era of antibiotics.  
 a. has introduced                      b. were introduced  
 c. has been introduced                      d. was introduced
- 25- The great wall of China ----- thousands of years ago.  
 a. were built                      b. has been built                      c. was built                      d. builds
- 26- I ----- how to use the old machine when I was a child. You needn't educate me.  
 a. am teaching                      b. taught                      c. am taught                      d. was taught
- 27- Disneyland is a world famous amusement park in Southern California. It ----- by more than ten million people every year.  
 a. is visited                      b. has been visited                      c. was visited                      d. visits
- 28- I ----- with people who say space exploration is a waste of money.  
 a. am not agreed                      b. wasn't agreed  
 c. don't agree                      d. haven't been agreed
- 29- Many of us take water for granted in our daily lives, but people who live in the desert ----- water carelessly. To them, each drop is precious.  
 a. don't use                      b. doesn't use                      c. are used                      d. were used
- 30- The flight to Istanbul ----- for five hours because of the fog that is preventing the planes from taking off and landing at the moment.  
 a. delays                      b. was delayed  
 c. has been delayed                      d. have been delayed

## ۵. تست گرامر جملات "معلوم" و "مجهول"

سطح تستها: "کنکوری" - "استاندارد" (پاسخنامه صفحه: ۲۶۴)

1. The house is very old. It ----- over 100 years ago.  
a. built                      b. builds                      c. is built                      d. was built
2. English ----- in schools, so many Iranian students know a little English.  
a. taught                      b. teaches                      c. is taught                      d. is to teach
3. The coffee ----- when I walked into the kitchen.  
a. was make                      b. was being made                      c. has made                      d. had made
4. That picture ----- by a great artist.  
a. will paint                      b. was painting                      c. has painted                      d. was painted
5. All the coconuts ----- by the monkey in those old days.  
a. pick quickly                      b. picked quickly                      c. are quickly picked                      d. were quickly picked
6. I think our windows ----- late in the evening.  
a. will clean                      b. are clean                      c. clean                      d. will be cleaned
7. How much homework ----- by the student?  
a. has to do                      b. has to done                      c. has to be done                      d. has done
8. Hurry up! This information should ----- to Mary and her family as soon as possible.  
a. be sent                      b. be sending                      c. have sent                      d. being sent
9. This is very difficult question, so it cannot ----- so easily within a short time.  
a. answer                      b. be answered                      c. to be answered                      d. have answered
10. My bike -----! I am going to call the police.  
a. stole                      b. was stealing                      c. has been stolen                      d. was being stolen
11. The dishes ----- yet. Could you please wash them up?  
a. have been not washed                      b. have not been washed                      c. are not being washed                      d. had not been washed
12. The fire finally ----- under control, but only after extensive damage -----.  
a. got – had been caused                      b. had gotten – was caused                      c. got – has been caused                      d. had gotten – had been caused
13. In the 20<sup>th</sup> century, advances ----- in the study of much older American civilizations.  
a. were making                      b. were made                      c. have been made                      d. made
14. Every participating country ----- to four entries in the winter games in the Olympic Games.  
a. limits                      b. has limited                      c. have been limited                      d. is limited
15. The teacher thought the lesson ----- reviewed before.  
a. has                      b. had                      c. has been                      d. had been
16. One of the most famous books in the world is the Gutenberg Bible. As much as half a million dollars ----- for a single copy of it.  
a. had paid                      b. has paid                      c. had been paid                      d. has been paid
17. All the food ----- before we got to the picnic.  
a. has eaten                      b. had eaten                      c. had been eaten                      d. has been eaten

18. He said he didn't need a job because he ----- a better one before.  
 a. has offered      b. had offered      c. has been offered      d. had been offered
19. Do you know that Maria ----- as a computer programmer of the company?  
 a. was inviting      b. is inviting      c. has been invited      d. is going to invite
20. The land next to our house ----- sold to the government recently.  
 a. is      b. will be      c. has been      d. had been
21. Many apartments ----- for the poor employees during the last five years.  
 a. are built      b. were building      c. have built      d. have been built
22. An extra amount of money ----- for poor students at our high school at the moment.  
 a. had been collected      b. is being collected      c. was collected      d. has collected
23. The children's medical center ----- in 1950 by one of the distinguished physicians who had studied in France for 10 years.  
 a. has founded      b. founded      c. has been founded      d. was founded
24. The house in front of the bank ----- in 1925 that's why it looks old.  
 a. was built      b. built      c. had built      d. has been built
25. The new book about chemistry that he had bought from England ----- to me last week.  
 a. was shown      b. showed      c. has shown      d. had shown
26. Many buildings ----- during the war that imposed by Iraq.  
 a. are being badly damaged      b. have been badly damaged  
 c. has badly damaged      d. was badly damaged
27. I didn't believe his explanation that he ----- the money to donate it to poor people.  
 a. had been stolen      b. steals      c. had stolen      d. was stolen
28. A hard physics problem which nobody could understand it ----- by one of my intelligent students last month.  
 a. solved      b. was solved      c. solves      d. has been solved
29. My brother ----- on his way school a few days ago. Lots of stuffs were inside his bag.  
 a. was mugging      b. has mugged      c. was mugged      d. has been mugged
30. His family ----- him for a long time. When they last saw him, he was trying to travel to Europe.  
 a. didn't see      b. hasn't seen      c. wasn't seen      d. hasn't been seen
31. My glasses ----- to read because the print is so tiny.  
 a. needed      b. are needed      c. were needed      d. have needed
32. This room ----- recently that's why it looks more different.  
 a. has been painted      b. are painted      c. has painted      d. was painting
33. I was talking to my friend about an important issue and I didn't realize that our conversation -----.  
 a. will be recorded      b. was being recorded      c. would record      d. was recording
34. While I was on holiday, my bag ----- from my hotel room.  
 a. steals      b. was stolen      c. had stolen      d. has stolen
35. There is somebody walking behind us. I think we -----.  
 a. are following      b. had followed  
 c. are being followed      d. had been followed



## سوالات کوتاه تاکیدی یا عبارت الحاقی (Tag Questions)

گاهی در انگلیسی، گوینده جمله برای اینکه گفته خود را به تأکید مخاطب یا مخاطبین برساند و یا برای نشان دادن تعجب در آخر جمله خبری خود، از یک جمله سؤالی کوتاه که شامل "فعل کمکی" و "ضمیر فاعلی" می باشد استفاده می کند. به این جملات سؤالی کوتاه "عبارت الحاقی"، "جمله ضمیمه" یا "Tag Questions" میگویند.

در زبان فارسی بصورت "مگه نه"، "اینطور نیست" و یا برعکس فعل جمله اصلی ترجمه میشوند. جمله ی اصلی و عبارت الحاقی بوسیله "کاما" از یکدیگر جدا می شوند و آخر عبارت الحاقی، "علامت سؤال" خواهد بود.

"او الان دارد یک رمان میخواند، مگه نه / اینطور نیست / نمیخونه؟"  
He **is** reading a novel now, **isn't he**?  
ضمیر فاعلی فعل کمکی

### برای ساختن اینگونه از جملات سؤالی کوتاه ، نکات زیر را در نظر بگیریم:

۱- عبارت الحاقی از نظر مثبت یا منفی بودن ، عکس جمله اصلی می باشد یعنی اگر جمله ی اصلی مثبت باشد، عبارت الحاقی **منفی** خواهد بود و چنانچه جمله ی اصلی منفی باشد ، عبارت الحاقی می بایست بشکل **مثبت** بکار رود:

"او یک دانش آموز است، مگه نه؟"  
She **is** a student, **isn't she**?  
"او یک دانش آموز نیست، مگه نه؟"  
She **is not** a student, **is she**?

۲- در عبارت الحاقی همیشه بعد از فعل کمکی از "ضمیر فاعلی" استفاده میشود بدین صورت که چنانچه در جمله اصلی فاعل بشکل اسم یا عبارت اسمی آمده باشد، در عبارت الحاقی ، از ضمیر فاعلی مشابه آن استفاده می شود .

"مینا به خوبی در حال تنیس بازی کردن بود، مگه نه؟"  
**Mina was** playing tennis well, **wasn't she**?  
"برادرهای من در مدرسه نیستند، مگه نه؟"  
**My brothers aren't** at school, **are they**?

۳- در عبارت الحاقی چنانچه بخواهیم فعل کمکی را بشکل منفی بکار ببریم، آنرا می بایست بشکل مخفف بکار برد. هیچگاه در عبارت الحاقی "not" نوشته نمیشود و همواره به صورت مخفف "n't" نوشته خواهد شد.

"رامان هفته آینده به رشت خواهد رفت، مگه نه؟"  
**Raman will** go to Rasht next week, **won't he**?  
"آنها دیروز همین موقع مشغول تماشای تلویزیون بودند، مگه نه؟"  
**They were** watching TV at this time yesterday, **weren't they**?

۴- چنانچه جمله ای با **there** شروع شده باشد، در عبارت الحاقی آن از خود **there** استفاده میکنیم و تنها در این حالت است که در عبارت الحاقی، ضمیر فاعلی نداریم.

"در کتری کمی آب وجود ندارد، مگه نه؟"  
**There isn't** any water in the kettle, **is there**?  
"در کلاس ما یک ساعت دیواری وجود داشت، مگه نه؟"  
**There was** a clock in our class, **wasn't there**?

۵- چنانچه در جمله ای یک فعل ناقص (can, may, should, must, might, ...) وجود داشته باشد، در عبارت الحاقی آن از همان فعل ناقص استفاده میکنیم:

**Your little brother can** play football very well, **can't he?**

"برادر کوچک تو به خوبی فوتبال بازی میکند، مگه نه؟"

**The students mustn't** speak loudly at the classroom, **must they?**

"دانش آموزان نباید با صدای بلند در کلاس صحبت کنند، مگه نه؟"

۶- در عبارت الحاقی به جای **this** و **that** از **it** و به جای **these** و **those** از **they** استفاده می کنیم.

**This is** your home, **isn't it?**

"این خانه شماست، مگه نه؟"

**These watches are** very expensive, **aren't they?**

"این ساعتها خیلی گران قیمت هستند، مگه نه؟"

۷- چنانچه در جمله ی مثبت از **I am** استفاده شده باشد، در عبارت الحاقی از **aren't I** استفاده میشود. (چون در زبان انگلیسی فرم مخفف **amn't I** صحیح نمیباشد).

**I am** a good teacher, **aren't I?**

"من معلم خوبی هستم، مگه نه؟"

**I am** speaking Arabic very well, **aren't I?**

"من خیلی به خوبی زبان عربی را صحبت میکنم، مگه نه؟"

- اما چنانچه در جمله منفی **I am not** آمده باشد، در عبارت الحاقی آن طبق قاعده از **am I** استفاده میکنیم.

۸- چنانچه جمله ی اصلی فعل کمکی داشته باشد از همان فعل کمکی در عبارت الحاقی استفاده می شود ولی چنانچه جمله فاقد فعل کمکی باشد، در این حالت، یکی از مشتقات **do** متناسب با فعل اصلی، در عبارت الحاقی استفاده می شود.

بدین صورت که اگر فعل اصلی در زمان گذشته ساده باشد، از **did** و اگر فعل اصلی در زمان حال ساده بوده و **s** یا **es** داشته باشد، از **does** و اگر فعل به شکل ساده آمده باشد، از **do** استفاده میکنیم. اما این زمانها در حالت منفی، دارای فعل کمکی **don't, doesn't, didn't** هستند.

**We** always **listen** to the teacher carefully at the class, **don't we?** (زمان حال ساده)

"ما همیشه با دقت در کلاس به معلم گوش میکنیم، مگه نه؟"

**Ali swims** quickly in this part of the river, **doesn't he?** (زمان حال ساده، فاعل جمله سوم شخص مفرد)

"علی با سرعت در این قسمت رودخانه شنا میکند، مگه نه؟"

**His father opened** his store at 8 this morning, **didn't he?** (زمان گذشته ساده)

"پدر او مغازه اش را در ساعت ۸ امروز صبح باز کرد، مگه نه؟"

**We don't** wash the dishes, **do we?**

"ما ظرفها را نمی شوئیم، مگه نه؟"

**Mahsa doesn't** speak English, **does she?**

"مهسا انگلیسی صحبت نمیکند، مگه نه؟"

**The man didn't** obey the traffic rules, **did he?**

"این مرد از قوانین رانندگی اطاعت نکرد، مگه نه؟"

۹- اگر در جمله اصلی، قیده‌های منفی ساز نظیر کلمات:

few, little, rarely, barely, seldom, nor, none, no, neither, scarcely never, hardly, no

بکار رفته باشد، عبارت الحاقی به شکل "**مثبت**" خواهد بود.

Her older brother **never eats** breakfast in the morning, **does he?**

"برادر بزرگترش در صبح هرگز صبحانه نمیخورد، مگه نه؟"

The old woman could **hardly walk** at the park, **could she?**

"آن خانم پیر، به سختی میتوانست در پارک قدم بزند، مگه نه؟"

Your cousin **seldom wants** to speak about his problems to you anymore, **does he?**

"عمو زاده ات دیگه به ندرت میخواد درباره ی مشکلاتش با تو صحبت کند، مگه نه؟"

۱۰- اگر فاعل جمله یکی از ضمایر نامشخص زیر باشد (مخصوص انسان)، در عبارت الحاقی، فعل و ضمیر فاعلی، بصورت "**جمع**"

خواهد بود. (اما فراموش نکنیم که ضمایر نامشخص زیر در جمله همانند "**اسم مفرد**" در نظر گرفته میشوند.)

**somebody, someone, everybody, everyone, nobody, no one**

Unfortunately, somebody **stole** my book at the train yesterday, **didn't they?**

"متأسفانه، دیروز در قطار یک نفری کتابم را دزدید، مگه نه؟"

Nobody **knows** the answer, **do they?** (چون ضمیر فاعل به صورت جمع میباشد از **do** استفاده میکنیم.)

Everybody **knows** the answer, **don't they?** (چون ضمیر فاعل به صورت جمع میباشد از **do** استفاده میکنیم.)

۱۱- چنانچه فاعل جمله ضمایر نامشخص مخصوص غیر انسان: something, everything, anything, nothing باشد،

ضمیر فاعلی در عبارت الحاقی، **it** میباشد.

Everything **is** really neat, **isn't it?** "همه چی (هر چیزی) واقعاً مرتبه، مگه نه؟"

۱۲- در جملات امری مثبت، عبارت الحاقی با **won't you** ساخته می شود.

Open your books, **won't you?** "کتابهایتان را باز کنید، باز نمیکنید؟"

در این حالت میتوان از **will you, would you, could you** هم استفاده کرد و تمامی آنها در این کاربرد برابر هستند.

Open your books, **would you / could you / will you?** "کتابهایتان را باز کنید، باز نمیکنید؟"

۱۳- در جملات امری منفی، عبارت الحاقی با **will you** ساخته می شود.

Don't turn on the radio, **will you?** "رادیو را روشن نکن، روشن میکنی؟"

Don't speak too fast, **will you?** "خیلی سریع صحبت نکن، صحبت میکنی؟"

۱۴- جملاتی که با **let's** شروع می شوند، عبارت الحاقی با **shall we?** ساخته می شود.

Let's play football or volleyball in the yard, **shall we?** "بیا در حیاط فوتبال یا والیبال بازی کنیم، بازی کنیم؟"

Let's watch a new action movie, **shall we?** "بیا یه فیلم اکشن جدید نگاه کنیم، نگاه کنیم؟"

۱۵ - جملاتی که با **let us** شروع می شوند، عبارت الحاقی با **will you?** ساخته می شود:

**Let us** study together, **will you?**

"به ما اجازه بده با همدیگر درس بخوانیم، اجازه میدید؟"

**Let us** go shopping today, **will you?**

"به ما اجازه بده امروز به خرید بریم، اجازه میدید؟"

۱۶ - در جملات مرکب، عبارت الحاقی برای "جمله اصلی یا پایه" نوشته میشود نه برای جمله وابسته یا (پیرو) که نمیتواند بصورت مستقل بکار برده شود و همراه با کلمه ربط بکار برده میشود. پس در نتیجه عبارت الحاقی را نمیتوان برای جمله ای که دارای کلمات ربط هست، بکار برد.

**After** studying English for two hours, **Raman is** going to watch his favorite cartoon, **isn't he?**

رمان بعد از مطالعه انگلیسی به مدت دو ساعت قصد داره کارتون مورد علاقه اش را نگاه کند، مگه نه؟  
جمله اصلی(پایه) جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط

**He'll** turn the TV off before he goes to bed, **won't he?**

او قبل از اینکه به تختخواب برود تلویزیون را خاموش خواهد کرد، مگه نه؟  
جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط جمله اصلی(پایه)

**You saw** my teacher while he was walking in the park, **didn't you?**

تو معلم من را در حالیکه مشغول قدم زدن در پارک بود، دیدی، مگه نه؟  
جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط جمله اصلی(پایه)

**Because** he didn't have enough money, **he decided** not to buy that expensive car, **did he?**

چونکه او پول کافی نداشت، تصمیم گرفت آن ماشین گران قیمت را نخرد، مگه نه؟  
جمله اصلی(پایه) جمله وابسته(پیرو) کلمه ربط

۱۷ - فعلهای had, has, have تنها زمانی فعل کمکی بحساب میآیند که بعد از آنها شکل سوم فعل (p.p.) آمده باشد (زمانهای حال کامل و گذشته کامل) که در این حالت از آنها برای ساختن عبارت الحاقی استفاده میکنیم.

The police **have caught** the addict man at his house, **haven't they?**

نیروی پلیس مرد معتاد را در خانه اش دستگیر کرده اند، مگه نه؟  
شکل سوم فعل

Up to now, you **haven't arrived** at home on time, **have you?**

تا به حال تو سر وقت به خانه نیامده ای، مگه نه؟  
شکل سوم فعل

۱۸ - در صورتیکه افعال had, has, have تنها فعل اصلی جمله باشند (به معنی "داشتن" یا "خوردن") و یا زمانیکه این فعلها به معنی "مجبور بودن" باشند (had to, has to, have to) به عنوان فعل اصلی جمله محسوب میشوند. بنابراین با توجه به زمان

جمله (حال ساده یا گذشته ساده)، در عبارت الحاقی باید از فعل کمکی مناسب برای آنها استفاده کنیم.(رجوع به نکته ۸)

**توجه:** هر چند در این حالت از خود همین فعلها هم میتوان در عبارت الحاقی استفاده کرد، اما ترجیحاً در کنکور آنها را به صورت فعل اصلی در نظر بگیرید و از افعال کمکی **do, does, did** با توجه به زمان جمله استفاده کنید.

Your brother **has** an expensive Italian golden watch, **doesn't he?**

"برادرت یک ساعت طلایی ایتالیایی گران قیمت دارد، مگه نه؟"

They usually **have** dinner around 8 o'clock, **don't they?**

"آنها معمولاً شام را در حدود ساعت ۸ میخورند، مگه نه؟"



Raman **had** a difficult math exam last week, **didn't he**?

"رامان هفته گذشته یک امتحان ریاضی سخت داشت، مگه نه؟"

My sister **has to** wash all the dirty dishes tonight, **doesn't she**?

"خواهرم امشب مجبوره تمامی ظرفهای کثیف را بشوید، مگه نه؟"

The students always **have to** be quiet at the class, **don't they**?

"دانش آموزان همیشه مجبور هستند که در کلاس ساکت باشند، مگه نه؟"

The man **had to** go to his office by taxi, **didn't he**?

"مرد مجبور بود با تاکسی به اداره اش برود، مگه نه؟"

۱۹- اگر جمله ای با فاعل های اول شخص مفرد یا جمع (I, we) و فعلهای:

**hear, think, believe, suppose, feel, know**

شروع شود، عبارت الحاقی، باید برای جمله پایه (جمله بعد از آنها) نوشته شود.

(دلیل این انتخاب هم این است که این نوع جمله های پایه هیچ خبری را منتقل نمیکنند و فقط یک مقدمه چینی هستند تا گوینده اول شخص عقیده و نظر خود را بیان کند. در ضمن در این حالت جمله پیرو معنی مستقلی دارد و میتواند بصورت مجزا هم بکار برده شود.)

**I've heard that your grandfather is very sick, isn't he?**

جمله پیرو با معنی مستقل

"من شنیده ام که پدر بزرگت خیلی مریضه، مگه نه؟ / مریض نیست؟"

**We think that it's not possible to learn a foreign language in one month, is it?**

جمله پیرو با معنی مستقل

"ما فکر میکنیم که یادگیری یک زبان خارجی در یک ماه امکان پذیر نیست، مگه نه؟ / امکان داره؟"

۲۰- چنانچه بخواهیم به عبارات الحاقی یا جملات سؤالی جواب کوتاهی بدهیم، از همین عبارات الحاقی استفاده میکنیم:

A: "**The police have** caught the addict man at his house, **haven't they**?"

B: "Yes, **they have**"

- "نیروی پلیس مرد معتاد را در خانه اش دستگیر کرده اند، مگه نه؟"

- "بله، اینطوره"

A: "Her older brother **never** eats breakfast in the morning, **does he**?"

B: "No, **he doesn't**"

- "برادر بزرگترش در صبح هرگز صبحانه نمیخورد، مگه نه؟"

- "نخیر، اینطور نیست."

1. They aren't going to cut that tree down, -----?
2. You will come to our house tonight, -----?
3. These aren't my pencils, -----?
4. We should take our umbrellas, -----?
5. Fatemeh likes playing tennis, -----?
6. The ticket costs five thousand tomans, -----?
7. You paid for dinner at the restaurant last night, -----?
8. We use only 10 percent of our brain, -----?
9. You made many mistakes, -----?
10. We need one more person to make up a team, -----?
11. He has been here before, -----?
12. Your students can play ping-pong after doing their homework, -----?
13. I have seen you at school many times, -----?
14. You will be sorry to leave your parents, -----?
15. My aunt has worked here for a long time, -----?
16. That's a good idea, -----?
17. You haven't finished reading that story, -----?
18. I never go to that supermarket, -----?
19. The Children have not played with Raman, -----?
20. Mary can speak English, Spanish and Italian well, -----?
21. You and I answered some difficult questions, -----?
22. Mehdi and Mehran want to be with each other at the party, -----?
23. I think that none of us can eat the food of the restaurant, -----?
24. If you had free time, you would come to the party, -----?

## "Tag Questions" تست دستگرمی گرامر عبارات الحاقی

سطح تستها: ساده - آموزشی (پاسخنامه صفحه: ۲۶۴)

1. Do not talk to me whenever I am studying, -----?  
a. won't you                      b. do you                      c. aren't I                      d. will you
2. This winter is not very cold, -----?  
a. isn't it                      b. does it                      c. won't it                      d. is it
3. My father hardly plays football with us whenever he is free, -----?  
a. doesn't he                      b. don't we                      c. does he                      d. do we
4. Somebody rang while you were taking a shower, -----?  
a. didn't they                      b. weren't you                      c. didn't he                      d. were they
5. Come sit beside me to read you a story, -----?  
a. won't you                      b. won't I                      c. don't we                      d. do you
6. Most of them don't speak more than one language, -----?  
a. do most of them                      b. don't most of them                      c. do they                      d. do them
7. I'm ashamed to be seen with you when you behave to badly, -----?  
a. isn't he                      b. aren't I                      c. haven't we                      d. doesn't he
8. We had a great day out at the amusement park, -----?  
a. don't we                      b. didn't we                      c. had we                      d. will we
9. There won't be enough food, -----?  
a. be there                      b. will there                      c. is there                      d. is it
10. Your sister isn't very clever, -----?  
a. isn't your sister                      b. is your sister                      c. isn't she                      d. is she
11. Water boils at 100 °C, -----?  
a. it doesn't                      b. it does                      c. doesn't it                      d. isn't there
12. No one stays with the old woman in the hotel, -----?  
a. is he                      b. do they                      c. isn't he                      d. doesn't he
13. He's been very successful, -----?  
a. isn't he                      b. hasn't he                      c. wasn't he                      d. doesn't he
14. Students should have some respect for their teachers, -----?  
a. shouldn't he                      b. haven't student                      c. haven't they                      d. shouldn't they
15. My friend and I will take part in the party tomorrow, -----?  
a. will I                      b. won't I                      c. will we                      d. won't we
16. James built the first steam engine, -----?  
a. did he                      b. does he                      c. didn't he                      d. doesn't he
17. Our teacher speaks English fast, -----?  
a. does he                      b. doesn't he                      c. does the teacher                      d. doesn't the teacher
18. The teacher let students play a game in class, ----- he?  
a. didn't                      b. doesn't                      c. did                      d. does

19. The meeting's at four o'clock, -----?  
 a. isn't it                      b. isn't there                      c. doesn't it                      d. doesn't there
20. You will see Ali tomorrow, -----?  
 a. do you                      b. will you                      c. don't you                      d. won't you
21. Your grandfather lived in China, -----?  
 a. doesn't he                      b. don't they                      c. didn't he                      d. didn't they
22. He didn't paint it himself, -----?  
 a. does he                      b. he didn't                      c. did he                      d. didn't he
23. Raman rarely tells lie, -----?  
 a. does he                      b. doesn't he                      c. does Raman                      d. doesn't Raman
24. He always tells the truth, -----?  
 a. does he                      b. doesn't he                      c. isn't he                      d. he isn't
25. They'll go home soon, -----?  
 a. will they                      b. they will                      c. won't they                      d. they won't
26. Your parents are very rich, -----?  
 a. weren't they                      b. aren't they                      c. don't they                      d. didn't they
27. You wouldn't do a thing like that, -----?  
 a. do you                      b. don't you                      c. wouldn't you                      d. would you

**Note:**

www.my-dars.ir

1. Jane believes that her team members easily won the game because they are familiar with teamwork, -----?  
a) aren't they                      b) didn't they                      c) didn't she                      d) doesn't she
2. Which of the following statements is **NOT** the correct beginning of the sentence?  
-----, aren't we?  
a) My cousin and I are watching TV programs that are about endangered animals  
b) We're going to travel to one of the famous historical sites in Italy with 4 of our Italian friends  
c) Raman and I are playing football with our English friends because they are always ready to play with us  
d) We often try to listen to the advice of our elders because they have gained lots of experience
3. Since your elder brother has many reasons to lie, his explanation mustn't be true, -----?  
a) didn't he                      b) must he                      c) must it                      d) mustn't it
4. It is a fact that all people are ready to try as hard as possible to become happy, -----?  
a) don't they                      b) isn't it                      c) aren't they                      d) doesn't it
5. Which of the following statements is **NOT** the correct beginning of the sentence?  
-----, did they?  
a) Ali and his sister didn't want to get up this morning early  
b) They never visited their elder parents who were sick  
c) They rarely intended to go out and to play football  
d) My friend's parents had enough money to pay their rent and their bill
6. Her uncle said that he had to be at his cousin's engagement party that evening, -----?  
a) did his cousin                      b) didn't they                      c) hadn't he                      d) didn't he
7. Let's take a nice hotel in this beautiful city and enjoy ourselves, -----?  
a) will we                      b) do we                      c) shall we                      d) don't we
8. Which of the following statements is **NOT** the correct beginning of the sentence?  
-----, do we?  
a) We have little fruit in the fridge to eat tonight  
b) Alireza and I don't have to finish our water in the desert  
c) We have a few friends who are useful in case of emergency  
d) My father and I have few books to sell
9. Their aunt ----- a delicious big Italian pizza for herself, didn't she?  
a) orders                      b) didn't order                      c) hasn't order                      d) ordered
10. I think that you never promised me the car would be ready on Monday, -----?  
a) did you                      b) didn't you                      c) wouldn't it                      d) would it
11. Which of the following statements is grammatically **WRONG**?  
a) Don't open the door before I signal you, do you?  
b) I'm not the student who won the gold medal, am I?  
c) Close the window and light bulb, won't you?  
d) She had to study English instead of mathematics at the university, didn't she?

12. The math teacher let his students talk to each other at the classroom, -----?  
 a) didn't he                      b) doesn't he                      c) did he                      d) does she
13. We're having a small tea party for one of our friends who's leaving next week, -----?  
 a) isn't he                      b) aren't we                      c) haven't we                      d) doesn't he
14. Which of the following statements is grammatically **WRONG**?  
 a. Fortunately, there has been little crime for which many people should be kept in prison, has there?  
 b. I had seen many wonderful places in European countries before I came back, didn't I?  
 c. Unfortunately, a few people in this town have good job to meet their family's basic needs, don't they?  
 d. Let's find an interesting movie that has been produced by one of the Italian filmmakers, shall we?
15. Their teams didn't play well, but they were lucky to win the matches, -----?  
 a) did they                      b) weren't they                      c) didn't they                      d) don't they
16. If you can't access your account, you have to call the service center, -----?  
 a) can you                      b) have you                      c) can't you                      d) don't you
17. I think that none of us can eat the food of the restaurant, -----?  
 a) don't I                      b) can we                      c) can't we                      d) do I
18. If my parents had free time, they would come to your party, -----?  
 a) didn't they                      b) would you                      c) wouldn't they                      d) hadn't they

**Note:**

www.my-dars.ir

## کلمات ربط "هم پایه" در زبان انگلیسی:

آموختیم که یک جمله انگلیسی باید حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. این گونه جمله ها را «جمله های ساده» می نامیم. حال اگر دو جمله ساده را که هر کدام حداقل دارای یک فاعل و یک فعل می باشند، با کلمه های ربط مانند «and»، «or» و «so» به هم مرتبط کنیم، یک «**جمله مرکب**» تشکیل می شود.

حروف ربط هم پایه ساز (**coordinating conjunctions**) برای وصل کردن کلمات، عبارات و جملات یکسان (از نظر گرامری) به کار میروند. یعنی اینکه اگر قرار است دو کلمه را به هم وصل کنند آن دو کلمه باید از یک گروه گرامری باشند؛ برای مثال هر دو باید اسم، صفت و ... باشند. حروف ربط هم پایه کاربردهای مختلفی مانند بیان کردن تضاد، نشان دادن انتخاب، نتیجه گیری و ... دارند. در ادامه هر یک را با چند مثال توضیح می دهیم. در زبان انگلیسی هفت حرف همپایه ساز وجود دارند که با توضیح کاربرد هر کدام آشنا خواهید شد:

<b>for</b>	<b>and</b>	<b>nor</b>	<b>but</b>	<b>or</b>	<b>yet</b>	<b>so</b>
زیرا	و	و نه	اما	یا	با وجود این	بنابر این

**نکته:** برای به خاطر سپردن این هفت حرف ربط می توانید از عبارت اختصاری "FANBOYS" استفاده کنید.

کاربرد حرف ربط **and**

این حرف ربط به معنای "و" می باشد یکسان بودن دو چیز را نشان می دهد. مثال:

I take milk **and** sugar in my coffee. "من در قهوه ام شیر و شکر میریزم."

She listened to music **and** watched TV after lunch. "او بعد از ناهار تلویزیون نگاه کرد و آهنگ گوش داد."

کاربرد حرف ربط **but**

این حرف ربط بیان کننده تضاد و مغایرت می باشد و در فارسی به معادل "اما" و "ولی" می باشد. مثال:

I like coffee, **but** my wife prefers tea. "من قهوه دوست دارم، اما همسرم چای را ترجیح می دهد."

I eat cake, **but** I never eat biscuits. "من کیک می خورم، اما هرگز بیسکویت نمی خورم."

کاربرد حرف ربط **or**

این حرف ربط برای انتخاب یک گزینه از بین چندین انتخاب دیگر به کار می رود و معنی فارسی آن "یا" می باشد. مثال:

Would you like cake **or** biscuits with your coffee? "همراه قهوه ات کیک دوست داری یا بیسکویت؟"

We like to live in Paris **or** London. "ما دوست داریم در پاریس یا لندن زندگی کنیم."

## کاربرد حرف ربط so

برای نشان دادن نتیجه و پیامد چیزی به کار میرود. معادل فارسی آن "بنابراین" و "پس" یا "در نتیجه" می باشد. مثال:

He was very hungry, **so** he ate all the cake.

"او خیلی گرسنه بود، بنابراین همه کیک را خورد."

I've drunk six cups of coffee today, **so** I've got a headache.

"من امروز شش فنجان قهوه خورده ام، در نتیجه سردرد شدیدی گرفته ام."

## کاربرد حرف ربط for

حرف ربط for برای نشان دادن دلیل و علت به کار میرود و معنی فارسی آن "زیرا" یا "چون" می باشد. در این معنی با **because** هم کاربرد مییابد. مثال:

She must have been very hungry, **for** she ate everything immediately.

"او حتما خیلی گرسنه بوده است، چون همه چیز را به سرعت خورد."

He's overweight, **for** he eats too many cakes and biscuits.

"او اضافه وزن دارد، چون کیک و بیسکویت زیادی میخورد."

## کاربرد حرف ربط nor

این حرف ربط برای نشان دادن یا انتخاب یک حالت منفی بعد از یک حالت منفی به کار میرود و معنی آن "و نه" می باشد. حرف ربط nor دو جمله یا عبارت را به هم وصل میکند. جمله ای nor در آن است باید فعل مثبت داشته باشد. مثال:

He doesn't eat cake, **nor** does he eat biscuits.

"او نه کیک میخورد و نه بیسکویت میخورد."

Switzerland is not in the European Union, **nor** is it a member of NATO.

"سوئیس نه عضو اتحادیه اروپا است و نه عضو ناتو است."

## کاربرد حرف ربط yet

این حرف ربط برای بیان تضاد غیر منتظره به کار میرود. یعنی اینکه با توجه به شرایطی انتظار نداریم یک کاری صورت بگیرد اما صورت میگیرد. معادل فارسی yet "با این وجود" می باشد. مثال:

He's seventy-two, **yet** he still swims, runs and plays football regularly.

"او هفتاد و دو سال سن دارد، با این وجود هنوز هم به طور مرتب شنا میکند، میدود و فوتبال بازی میکند."

He's overweight, **yet** he continues to eat lots of fast food.

"او اضافه وزن دارد، با این وجود به خوردن فست فود ادامه میدهد."



## حروف ربط جفتی یا هم آیند (زبان تخصصی):

حروف ربط جفتی یا زوجی همانطور که از نامشان پیداست حروف ربطی هستند که بصورت جفت استفاده می‌شوند. حروف ربط زوجی کنار هم استفاده نمی‌شوند و مکان آنها در جمله متفاوت است. برخی از حروف ربط زوجی شامل موارد زیر می‌شوند:

both ... and	whether ... or	either ... or	nor neither ...	not ... but	but also ... not only
هم ... هم	چه ... چه - که آیا	یا ... یا	نه ... نه	نه ... اما	نه تنها ... بلکه

I **either** want the cheesecake **or** the hot chocolate.

"من **یا** کیک پنیری **یا** شکلات داغ می‌خواهم."

I'll have **both** the cheesecake **and** the hot chocolate.

"من **هم** کیک پنیری و **هم** شکلات داغ خواهم خورد."

I didn't know **whether** you'd want the cheesecake **or** the hot chocolate, so I got you both.

"من نمی‌دانستم **که آیا** می‌خواهید کیک پنیری و **یا** شکلات داغ بخورید، بنابراین من هر دو را گرفتم."

I want **neither** the cheesecake **nor** the hot chocolate.

"من **نه** کیک پنیری و **نه** شکلات داغ می‌خواهم."

I'll eat them both – **not only** the cheesecake **but also** the hot chocolate.

"من **هر دوی** آنها را می‌خورم – **نه فقط** کیک پنیر **بلکه** شکلات داغ"

I see you're in the mood **not** for dessert **but** appetizer.

"من متوجه شدم شما برای دسر **سرحال نیستید اما** برای پیش غذا هستید."

یادآوری مجدد: حروف ربط جفتی در کنار هم استفاده نمی‌شوند و جایگاه آنها در جمله متفاوت است.

### Note:

www.my-dars.ir

(پاسخنامه صفحه: ۲۷۰)

1. He reads magazines, ----- he doesn't like to read books.
2. Playing soccer in the park is exciting in the winter, ----- it's better in the heat of summer.
3. I go to the park every Sunday, ----- I love to watch the ducks on the lake.
4. I went to the party ----- I enjoyed it a lot.
5. He doesn't like tennis, ----- ping-pong. Honestly, He just likes the soccer.
6. It was not my duty, ----- his. It just was Ali's duty to clean the room.
7. Do you like tea ----- coffee?
8. This soup is hot ----- delicious.
9. My best friend ----- his family come from Spain.
10. I want to go to bed, ----- I am brushing my teeth.
11. They are very poor. They don't have a television ----- a radio.
12. Should we go out to the cinema ----- stay at home?
13. I always buy a book to read, ----- I never seem to turn a single page.
14. He is so young, ----- he is very experienced.
15. She goes to the tennis club every afternoon ----- she likes to play tennis.
16. She did not come to school, ----- she was ill.
17. We were bored with the movie, ----- we left cinema.
18. There are no more chairs available, ----- you will have to stand.
19. Every Friday, I go to the park ----- listen to the birds singing on the trees.
20. She likes swimming, ----- she doesn't know how to swim.

www.my-dars.ir

**Note:**

-----

-----

-----

-----

-----

-----





۱. با استفاده از کلمات داده شده، جمله مجهول (در زمان حال ساده) بسازید.

1. cream / butter / make / from / .

1. -----.

2. parties / I / invite / never / to / .

2. -----.

3. import / Canada / Oranges / into / .

3. -----.

4. clean / rooms / every day / these / ?

4. -----?

5. keep / parrots / the / my / cage / in / .

5. -----.

6. rooms / clean / often / these / how / ?

6. -----?

7. speak / in Canada / languages / how many / ?

7. -----?

8. play / football / of the world / most countries / in / .

8. -----.

۲. با استفاده از کلمات داده شده، جمله مجهول (در زمان گذشته ساده) بسازید.

1. money / last / steal / train / your / the / week / in / ?

1. -----?

2. build / ago / houses / seventy / these / years / .

2. -----.

3. last / to / invite / the party / we / month / .

3. -----.

4. take / two / the hospital / people / to / .

4. -----.

5. anybody / the accident / injure / in / ?

5. -----?

6. be born / in / in / 1360 / Tehran / I / .

6. -----.

7. invent / the telephone / when / ?

7. -----?

8. you / be born / where / ?

8. -----?

۳. با استفاده از کلمات داده شده، جمله مجهول (در زمان حال کامل) بسازید.

1. skillful / cars / a / fix / mechanic / the / by / .  
1. -----.
2. recently / beautiful / build / bridge / this / ?  
2. -----?
3. since / key / lose / this / my / car / morning / .  
3. -----.
4. building / doors / break / the / the / of / just / .  
4. -----.
5. a / they / their / to / invite / party / friends / by / ?  
5. -----?
6. thieves / tall / down / cut / some / the / by / trees / .  
6. -----.
7. medicine / doctors / corona / new / make / a / cure / by / to / ?  
7. -----?
8. language / our / ago / many / speak / English / country / since / in / years / .  
8. -----.

۴. شکل صحیح افعال داخل پرانتز (معلوم یا مجهول) را بنویسید.

1. Glass ----- (make) from sand.
2. The house ----- (paint) last month.
3. Stamps ----- (sell) in a post office.
4. This word ----- (not use) very often.
5. When ----- this bridge ----- (build)?
6. ----- we ----- (allow) to park here?
7. My friend ----- (bite) by a dog last week.
8. Three people ----- (injure) in the accident.
9. How ----- this word ----- (pronounce)?
10. A garage is a place where cars ----- (repair).
11. We ----- (wake up) by a loud noise last night.
12. Somebody ----- (steal) my bike a few days ago.
13. ----- you ----- (invite) to the party last week?
14. Alexander Graham Bell ----- (invent) the telephone in 1876.
15. Hafez ----- mostly ----- (remember) for a special type of poetry.

۵. در جملات زیر یک اشتباه گرامری وجود دارد، آن را پیدا کرده و تصحیح نمایید.

1. Paper makes from wood. (-----)
2. A factory is a place where things make. (-----)
3. We didn't go to the party. We didn't invite. (-----)
4. My sunglasses stole at the beach yesterday. (-----)
5. A: How old is this film? B: It is made in 1980. (-----)
6. Somebody broke into our house, but nothing stolen. (-----)
7. Many British programs show on American television. (-----)
8. I've never seen these flowers before. What are they call? (-----)
9. A: Did you go to the party? B: No, I invited, but I didn't go. (-----)
10. There was a fire at the hotel last week. Two of the rooms damaged. (-----)
11. The washing machine was broken, but it's OK now. It has repaired. (-----)
12. My car was stolen last week, but the next day it found by the police. (-----)
13. Microwave oven invented during a scientist's experiment on energy. (-----)
14. A: Where did you get this picture? B: It gave to me by a friend of mine. (-----)
15. The bridge is closed. It was damaged last week and it hasn't repaired yet. (-----)

۶. بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. My bicycle -----! I'm going to call the police.  

<i>a. stole</i>	<i>b. was stealing</i>	<i>c. has been stolen</i>	<i>d. have been stolen</i>
-----------------	------------------------	---------------------------	----------------------------
2. The dishes ----- washed yet. Could you please wash them up?  

<i>a. have been not</i>	<i>b. have not been</i>	<i>c. are been not</i>	<i>d. are not been</i>
-------------------------	-------------------------	------------------------	------------------------
3. We ----- to dinner last Friday night and we had a good time.  

<i>a. have invited</i>	<i>b. have been invited</i>	<i>c. invited</i>	<i>d. were invited</i>
------------------------	-----------------------------	-------------------	------------------------
4. My little brother ----- to school by my mother every day.  

<i>a. takes</i>	<i>b. has taken</i>	<i>c. is taken</i>	<i>d. was taken</i>
-----------------	---------------------	--------------------	---------------------
5. Do you know that Maria ----- as a computer programmer of the company?  

<i>a. was inviting</i>	<i>b. has been invited</i>	<i>c. is going to invite</i>	<i>d. is inviting</i>
------------------------	----------------------------	------------------------------	-----------------------
6. The land next to our house ----- sold to the government recently.  

<i>a. is</i>	<i>b. has</i>	<i>c. has been</i>	<i>d. have been</i>
--------------	---------------	--------------------	---------------------
7. Many apartments ----- for the poor employees during the last five years.  

<i>a. are built</i>	<i>b. were building</i>	<i>c. have built</i>	<i>d. have been built</i>
---------------------	-------------------------	----------------------	---------------------------
8. Teams from many countries ----- to take part in the previous Olympic Games.  

<i>a. didn't invite</i>	<i>b. haven't been invited</i>	<i>c. weren't invited</i>	<i>d. haven't invited</i>
-------------------------	--------------------------------	---------------------------	---------------------------

9. Many accidents ----- by dangerous driving.

<i>a. are caused</i>	<i>b. cause</i>	<i>c. is caused</i>	<i>d. has caused</i>
----------------------	-----------------	---------------------	----------------------

10. The roof of the building ----- in a storm a few days ago.

<i>a. is damaged</i>	<i>b. was damaged</i>	<i>c. is going to damage</i>	<i>d. were damaged</i>
----------------------	-----------------------	------------------------------	------------------------

11. A cinema is a place where films -----.

<i>a. show</i>	<i>b. are shown</i>	<i>c. are showing</i>	<i>d. has been shown</i>
----------------	---------------------	-----------------------	--------------------------

12. Originally the book ----- in Spanish, and a few years ago it was translated into English.

<i>a. were written</i>	<i>b. wrote</i>	<i>c. was written</i>	<i>d. are written</i>
------------------------	-----------------	-----------------------	-----------------------

13. It's a big factory. Five hundred people ----- there.

<i>a. is employed</i>	<i>b. was employed</i>	<i>c. are employed</i>	<i>d. have employed</i>
-----------------------	------------------------	------------------------	-------------------------

14. Water ----- most of the earth's surface.

<i>a. covers</i>	<i>b. is covered</i>	<i>c. cover</i>	<i>d. was covered</i>
------------------	----------------------	-----------------	-----------------------

15. How much of the earth's surface ----- by water.

<i>a. are covered</i>	<i>b. is covering</i>	<i>c. covers</i>	<i>d. is covered</i>
-----------------------	-----------------------	------------------	----------------------

16. The letter ----- a week ago and it arrived yesterday.

<i>a. posted</i>	<i>b. was posted</i>	<i>c. is posted</i>	<i>d. is going to post</i>
------------------	----------------------	---------------------	----------------------------

17. There were some problems at first, but they seem to -----.

<i>a. has been solved</i>	<i>b. solve</i>	<i>c. have been solved</i>	<i>d. have solved</i>
---------------------------	-----------------	----------------------------	-----------------------

18. I ----- the information I needed.

<i>a. wasn't given</i>	<i>b. not given</i>	<i>c. weren't given</i>	<i>d. not gave</i>
------------------------	---------------------	-------------------------	--------------------

19. They ----- some difficult questions at the interview.

<i>a. was asked</i>	<i>b. has been asked</i>	<i>c. were asked</i>	<i>d. is asked</i>
---------------------	--------------------------	----------------------	--------------------

20. Linda ----- a present by her colleagues when she retired.

<i>a. gave</i>	<i>b. has given</i>	<i>c. is given</i>	<i>d. was given</i>
----------------	---------------------	--------------------	---------------------

۷. برای هر یک از جملات زیر، عبارت الحاقی بنویسید.

1. The children weren't playing in the yard between 10 to 12 last Monday, -----?

2. Your sister was weaving a beautiful at this time yesterday, -----?

3. That naughty girl hasn't broken the window, -----?

4. All my classmates have passed the test, -----?

5. Johnny Depp is a very good actor, -----?

6. It was rainy yesterday, so we had to go to school by taxi, -----?

7. All the students should do their homework carefully, -----?

8. I've heard that your uncle has traveled to Europe, -----?

9. Children must respect their parents and teachers, -----?



10. The police couldn't catch the thieves last night, -----?
11. Mr. Fekri saw us while we were going shopping, -----?
12. You will brush your teeth before going to bed, -----?
13. They often have lunch at 2 o'clock every day, -----?
14. Ali is sending an email to his former coach, -----?
15. I am listening to my English teacher now, -----?
16. Your father never eats dinner at night, -----?
17. He doesn't have an expensive car, -----?
18. Some old people can hardly walk, -----?
19. There is no water in the kettle, -----?
20. Let's go to the cinema, -----?

۸. جملات زیر را با کلمات ربط (and, or, but, so) کامل کنید.

1. The early bird catches the worm, ----- if you want to succeed, wake up and start work early.
2. He bought a house, found a job, ----- chose a school for his children last year.
3. There was no bread at home, ----- my mother went out to buy some.
4. You should pay the price, ----- you should leave the store quickly.
5. He can buy the dictionary, ----- he can borrow it from the library.
6. Ali bought a new coat, ----- he wore it for two years.
7. The glass fell down to the floor, ----- it didn't break.
8. You can pay now, ----- when I finish your painting.
9. He couldn't find his pen, ----- he wrote in pencil.
10. My sister loves apples, ----- she hates bananas.
11. The class was hot, ----- the lesson was boring.
12. She likes fish, ----- her grandfather hates it.

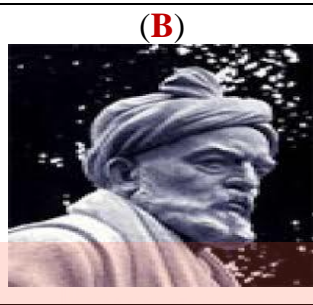
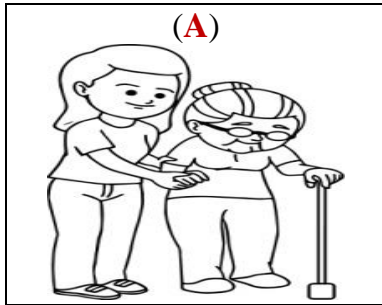
۹. متن زیر را با کلمات ربط (and, or, but, so) کامل کنید.

Amin is a student, (---1---) he goes to a school near his house. He can come home by taxi, (---2---) he can come on foot. He usually gets back on time, (---3---) yesterday he came home late because one of his friends got sick, (---4---) Amin waited until his friend's father arrived.

1.	2.	3.	4.
----	----	----	----

**A: Vocabulary:**

**1- Match the pictures with the given sentences: (1)**



1. My father shouted at me when I didn't do my homework. ( )
2. My grandfather is feeding the pigeons in the park. ( )
3. Ferdowsi was born in a village near Toos. ( )
4. We have to take care of elderly people. ( )

**2- Fill in the blanks with the proper words. One word is extra: (2)**

boosts / forgive / failures / calmly / advice / honored / temperature / dedicated / shared

1. Our parents have a lot to share with us like their experiences and -----.
2. I believe he was an honorable man, ----- to the people and his union.
3. I may ----- myself for the accident, but it is very difficult to forget.
4. It is believed that hugging your child ----- the level of happiness.
5. Taking people's ----- can help them fight the corona virus.
6. Listening to the ----- of older people improves our lives.
7. My sister ----- her food among the poor children.
8. Elders feel ----- when we appreciate them.

**3- Make collocations by matching the exact words: (1)**

1. fast ( )	a. speakers
2. strong ( )	b. temperature
3. native ( )	c. food
4. take ( )	d. meal
	e. wind

**4- Match the definitions with the given words. One word is extra: (1)**

sofa / distinguished / regard / hug / diary

1. To hold someone close to your body with your arms, usually to show that you like, love, or value them:
2. A long, soft seat with a back and usually arms, on which more than one person can sit at the same time:
3. A book in which you record your thoughts or feelings or what has happened each day:
4. Used to describe a respected and admired person, or their work:

1.	2.	3.	4.
----	----	----	----

## B: Grammar:

### 5- Choose the best item: (1)

1. There was a fire at the hotel last week. Two of the rooms -----.

- |                 |                 |                |                  |
|-----------------|-----------------|----------------|------------------|
| a. were damaged | b. have damaged | c. was damaged | d. were damaging |
|-----------------|-----------------|----------------|------------------|

2. My little brothers ----- to school by my mother every day.

- |         |              |               |              |
|---------|--------------|---------------|--------------|
| a. take | b. are taken | c. have taken | d. was taken |
|---------|--------------|---------------|--------------|

3. He ----- to use the car whenever he needs to do his business.

- |           |            |                |               |
|-----------|------------|----------------|---------------|
| a. allows | b. allowed | c. is allowing | d. is allowed |
|-----------|------------|----------------|---------------|

4. There is a new building in the neighborhood. The workers ----- it very well.

- |               |              |               |                    |
|---------------|--------------|---------------|--------------------|
| a. have built | b. are built | c. were built | d. have been built |
|---------------|--------------|---------------|--------------------|

### 6- Write the correct tag questions: (1)

- Your father won't sell his car, -----?
- The woman was weaving a rug, -----?
- He never speaks Persian in our class, -----?
- His sister has passed her driver's test, -----?

### 7- Write the passive form in the correct tenses: (1)

- Penicillin ----- by Alexander Fleming. (**discover**)
- My car -----! I'm going to call the police. (**steal**)
- Emotions and ethics ----- in Ghazals a lot. (**use**)
- The windows ----- by them last night. (**break**)

### 8- Make active and passive sentences with the given words: (2)

1. makes / morning / pancakes / my mother / every / .

Active: -----.

Passive: -----.

2. repaired / the mechanics / the cars / have / .

Active: -----.

Passive: -----.

## C: Writing:

### 9- Fill in the blanks. Use "and, or, but or so": (1)

- My sister has a beautiful dress, ----- she never wears it.
- I get up early in the morning, ----- I make an omelet myself.
- Ahmad didn't study hard for the exam, ----- he didn't pass it.
- You should wash the dishes, ----- you should do your homework.

### 10- Match two columns: (1)

1. You can use mobile dictionary, or ( )	a. I didn't have your number.
2. The roads were covered with ice, so ( )	b. I looked out.
3. I wanted to call you, but ( )	c. you can buy a pocket one.
4. I went to the window, and ( )	d. it was not safe to drive.

### 11- Put the words in correct order: (2)

1. went / my brother / to the library / at all / he / didn't / but / study / , / .

1. ....

2. shirt / it / comfortable / so / wear / not / I / this / is / rarely / , / .

2. ....

3. expensive / I / it / that book / so / buy / can't / is / , / .

3. ....

4. it / like / spaghetti / hates / my mother / I / but / , / .

4. ....

### D: Cloze Test:

### 12- Read the passage and then fill in the blanks with choices: (1.5)

***brought / injuries / fight / dedicated / burnt / caught***

Hassan Omidzadeh was a teacher from Shaft, Guilan. In the February of 1997, the school where he was teaching (---1---) fire. The (---2---) teacher saved thirty students, where he himself was (---3---) in the face and around his head. He (---4---) the students out one by one when the door was closed and he had to (---5---) a lot to take himself out of the room. His (---6---) were so hard and finally he died on July 18, 2012.

1.	2.	3.	4.	5.	6.
----	----	----	----	----	----

### E: Reading:

### 13- Read the passage and then answer the following questions: (2.5)

Some people prefer to provide help and support directly to those in need. However, others prefer to give money to national and international charity organizations. Giving money to those in need can be a personally good experience, but there is a choice between donating nationally and internationally through charities or giving directly to those around you.

One of the advantages of providing direct support is that you can know exactly how your money is spent. Another **benefit** is that you can see the impacts on those you are helping, which can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

There are advantages in giving to charities that are national and international. First and the best is helping in problems of global importance, such as curing diseases and human rights or helping those who are in bad environmental events like earthquakes and floods.

In conclusion a person should make their own choice in helping others. The important point is that we continue to give to those who are more in need than ourselves.

1. What can it lead to when you see the impacts on those you are helping?

1. ....

2. What is the important point in helping others?

2. ....

3. What is **the closest synonym** for the word "benefit"?

<i>a. experience</i>	<i>b. advantage</i>	<i>c. choice</i>	<i>d. effect</i>
----------------------	---------------------	------------------	------------------

4. Helping people in bad environmental events has the global importance. **a. True** **b. False**

5. All people feel great personal happiness when they help others. **a. True** **b. False**

#### 14- Read the passage and then choose the best items: (2)

The size and shape of your ears show your character more than any other part of the face. Other parts of the face change shapes as we get older, but ears do not change their shapes. They only change in size.

Reading people's character from their ears is a very old science. In the past people thought that a person's ears with color were dangerous. They also thought that the shape of the ears showed if a person was musical or not. Today, too many people believe that the size and shape of the ears help you know if a person is musical. Ears are all different, and each different thing has a meaning.

Next time you look at a person, see if his or her ears are large, medium-size, or small. Look at the lobes. Ears that are always red mean that a person may get angry easily. Ears that are always cold and nearly white color mean that a person has a nervous character.

1. When we grow up, .....

<i>a. our ears will not change in size</i>	<i>b. our ears will be the same size</i>
<i>c. our ears will get colder</i>	<i>d. our ears will not change in shape</i>

2. If someone's ears are red, it means .....

<i>a. he/she is a kind person</i>	<i>b. he/she is very happy</i>
<i>c. he/she may get angry easily</i>	<i>d. he/she drinks a lot</i>

3. If you look at someone's ears, the right way to see .....

<i>a. his face, ears and nose</i>	<i>b. the size, color and shape</i>
<i>c. his mouth, eyes and nose</i>	<i>d. the hair, eyes and color</i>

4. How can we find out a person has a nervous character through his/her ears?

<i>a. When they are cold.</i>	<i>b. When they are medium-size.</i>
<i>c. When they are not white color.</i>	<i>d. When they are musical.</i>